



حقوق فرهنگی و رسانه ای

مدرس : ناهید خوشنویس

سال تحصیلی پاییز 1403

دانشگاه علمی کاربردی واحد 15

فصل اول

مبانی:

غالباً ارائه کردن یک تعریف جامع و مانع و در عین حال منطقی و حساب شده از یک موضوع یا موضوعات خاص اجتماعی کار آسانی به نظر نمی رسد

بنابراین می توان گفت تعاریف متعددی در این ارتباط وجود دارد. هرگاه انسان تنها دور از

اجتماع در نظر گرفته شود حق یا حقوق عنوان پیدا نمیکند

تعیین حقوق و تکالیف برای افراد منوط به بودن آنها در جامعه و زندگی اجتماعی آنهاست .

نیکوکار از بدکار یا ظالم از مظلوم در اجتماع و در برخورد انسانها با یکدیگر مشخص می شود.

زمانی که فرد در داخل اجتماع قرار می گیرد برای امر معاش و ... ناگزیر از داشتن رابط با سایر

افراد و ارکان جامعه می باشد، اگر این رابطه در جامعه تحت نظم و قانون درنیاید بی نظمی و

اختلال حکم فرما شده و امنیت و آسایش عمومی سلب خواهد شد ، بنابراین باید قواعدی بر

روابط آنها حکومت کند

. حقوق عهده دار تنظیم این امور و تأمین نظم و زندگی سالم انسان در اجتماع است.

بنابراین می توان گفت در جامعه از یک طرف افراد و اشخاص عادی (فرمانبران) قرار گرفته اند و

از طرف دیگر قدرت حاکم (فرمانروایان) پس می توان گفت جامعه از فرمانروایان و فرمانبران

ترکیب شده است

همانگونه که فرمانبران با یکدیگر ارتباطی دارند با فرمانروایان نیز دارای انواع روابط هستند.

تعریف حقوق:

به معنای جمع حق : شامل مجموعه امتیاز و اختیاراتی است که به موجب آن هر فرد می تواند چیزی از دیگران بگیرد، آنان را به انجام امری یا انصراف از چیزی و امتناع از امری وادار سازد .
حق بستانکار بر بدهکار از این قبیل است.

حقوق عبارت است از مجموعه قواعد عام ، کلی و الزام آور (با ضمانت اجرای) است که در راستای حمایت از نظم امنیت اجتماعی و برقراری عدالت نسبی در جامعه توسط دولت بر اجتماع حاکم باشد.

ویژگی قواعد حقوقی:

- 1عام و کلی بودن

مقصود از کلیت داشتن « قاعده حقوقی » این نیست که همه مردم موضوع حکم آن قرار گیرند

قواعد حقوق باید هنگام وضع مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد نگاه قواعد حقوقی متوجه اشخاص خاصی نیست، بلکه به طور کلی برای تمامی افراد جامعه وضع می شود.

ممکن است قاعده ای درباره چند شخص، یا تنها یک نفر قابل اجرا باشد، مانند قوانین مربوط به مسؤولیت رئیس جمهور وزیران و اختیارات پادشاه ولی محدود بودن قلمرو اجراء با کلی بودن حکم منافات ندارد زیرا نسبت به تمام کسانی که در آن وضع خاص قرار دارند قابل اجرا است. مهم این است که قاعده حقوقی در هنگام وضع، مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد و مفاد آن با یک بار انجام شدن از بین نرود.

- الزام آور بودن

چرا باید قواعد حقوقی الزام آور باشند؟

ویژگی ذاتی قاعده حقوقی این است که برای دستیابی به هدف اساسی حقوق یعنی تحقق عدالت نسبی و برقراری نظم اجتماعی، که دارای خصوصیت اجباری و الزامی بودن این قواعد می باشد. (البته درجات الزام آوری این قواعد متفاوت است.)

برای این که حقوق بتواند به هدف نهایی خود برسد باید رعایت قواعد آن اجباری باشد. وظیفه حقوق اعلام وقایع یا اخبار از حقایق نیست. برای تنظیم روابط مردم باید آنها را به انجام پاره ای امور ناگزیر ساخت و از پاره های دیگر منع کرد.

از مشخصات حقوق قدرت الزامی آن است. قواعد حقوقی از آن جهت الزام آور است که علاوه از تامین آسایش و نظم عمومی حافظ عدالت نیز میباشد

اگر در جامعه اشخاص مکلف بر طبق طبع تجاوزکارانه خود از اجرای احکام و قواعد حقوق سرباز زنند و در برابر تجاوز خود هیچ مانعی نبینند، نمیتوان گفت در آن جامعه نظم وجود دارد و یا عدالت قابل استقرار است..

- 3 داشتن ضمانت اجرا

قاعده ای را که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است نباید در شمار قواعد حقوقی آورد زیرا اگر اشخاص در اجرای آن آزاد باشند و در برابر تخلف خود هیچ مکافات نبینند، چگونه می توان ادعا کرد که نظم در جامعه وجود دارد پایه و مبنای ویژگی الزام آور بودن قواعد حقوقی در صورت وجود ضمانت اجرا مستحکم می گردد.

اگر ضمانت اجرایی برای قواعد حقوقی لحاظ نمی شد، ویژگی الزام آور بودن این قواعد بی فایده و درعین حال بی معنا و مفهوم به نظر می رسید.

برای استقرار عدالت و تنظیم روابط اجتماعی ناچار بایستی مردم در برابر هم حقوق و تکالیفی داشته باشند و هرگاه حقی مورد تجاوز یا انکار واقع شود دولت آن را اجرا کند. پس داشتن ضمانت اجرا یکی از لوازم و ویژگیهای حقوق است و همین صفت قاعده حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی مانند اخلاق و مذهب جدا و ممتاز میسازد ساده ترین وسیله اجبار مجازات کسانی است که از فرمان قانون سرپیچی میکنند.

کیفر قانون ممکن است مربوط به شخص متجاوز باشد، مانند اعدام و حبس و تبعید یا به اموال اور مانند غرامت و مصادره دارایی و نیز ممکن است جنبه اداری داشته باشد، مانند گرفتن گواهینامه راننده متخلف .. قاعده حقوقی یعنی قاعده‌های که توام با ضمانت اجرا ست .

الزامی بودن از مشخصات قاعده حقوقی است ولی قواعد دیگری هم حالت الزامی را دارد در حالی که قاعده حقوقی نیستند مثل قواعد اخلاقی و قواعد مذهبی که برای پیروان ایجاد تکلیف میکند و الزام در معنی وسیع را به‌مراه دارد اما ضمانت اجرای مادی مثل حقوق ندارند

- 4 اجتماعی بودن

هدف قواعد حقوقی تحقق نظم اجتماعی است . در واقع ساده ترین مفاهیم حق تنها در اجتماع جلوه گر است . حق حیات، حق زندگی، حق مالکیت ، آزادی بیان، آزادی عقیده و... به همین جهت در تعریف حقوق گفته شد : قواعدی است که ... بر اشخاص از این جهت که عضو جامعه هستند حکومت میکند «.. اگر انسانی تنها و دور از اجتماع فرض شود برای او از نظر حقوقی ، نه حقی متصور است و نه تکلیفی . ساده ترین مفاهیم حق فقط در اجتماع جلوه گر است.

چنانکه قواعد مربوط به اسم و حقی که اشخاص بر نام خانوادگی خود دارند در صورتی مورد پیدا میکند که دو شخص یا دو خانواده وجود داشته باشند و هر کدام به اسمی نامیده شوند تا برای ممتاز ساختن آنها نام خاص به کار آید

- 5 استمرار

قواعد حقوق باید هنگام وضع مقید به فرد یا اشخاص معین نباشد و مفاد آن بایک بار اجرا قابلیت خود را از دست ندهد و دائمی باشد. هرچند که تنها یک یا چند تن مشمول مقررات آن باشند. یعنی قانون یک بار مصرف نباشد.

اهداف قواعد حقوق:

تامین اسایش و آرامش برقراری نظم تامین آزادی فراهم شدن امکان بر آورده شدن حقوق افراد امکان انجام وظایف و تکالیف توسط افراد برقراری عدالت نسبی و... هر زمان شما برای خودتان حق و امتیازی قائل بشوید همان حق و امتیاز به گونه ای برای شما می شود وظیفه و تکلیف در قبال دیگران موضوع مهم و اساسی دیگر اهداف حقوق است زیرا هر چند معیار مشروعیت قاعده حقوقی و در نتیجه قدرت نفوذ و الزام آن، استوار بودن قاعده بر مبنایی است که در یک نظام حقوقی مقبول به شمار می رود اما توجه به مبنای حقوق برای ساخت قاعده حقوقی مطلوب کافی نیست و قانون وضع شده باید تأمین کننده هدف و غرض مورد نظر نیز باشد.

عالمان حقوق درباره هدف ماهوی حقوق اتفاق نظر ندارند ولی نظم و عدالت نقطه اشتراک همه مکاتب حقوقی به شمار می رود .

افزون بر اختلافی که در معرفی نظم یا عدالت به عنوان هدف یگانه حقوق وجود دارد، در میان کسانی که هم نظم و هم عدالت را هدف حقوق میدانند این پرسش مطرح است که در هنگام تزامن آنها کدام یک مقدم است.

درباره هدفِ موضوعی حقوق که فرد است یا جامعه نیز اختلاف نظر وجود دارد که منشأ آن اختلاف دیدگاه‌ها درباره مبانی حقوق و نیز اصالت فرد یا جامعه است.

در این ارتباط دو دیدگاه وجود دارد

- 1 اصالت فرد (لیبرالیسم)

- 2 اصالت جمع (سوسیالیسم)

نظریه اول - اصالت فرد

بر اساس این نظریه فردگرایان هدف از حقوق احترام به انسان است یعنی انسان ارزش دارد . انسانی که آزاد می باشد هیچ حکومتی نمیتواند آزادی انسان را محدود بسازد، از این نظریه انسانها تا جایی آزاد هستند که به آزادی دیگران تجاوز نکند در این جا هدف تامین منافع افراد در جامعه است و معتقد است حقوق از منافع افراد دفاع و آزادی را به بهترین وجه تامین نماید .

هر کس که استعداد دارد و تلاش بکند از قدرت و ثروت بیشتر برخوردار میشود . هدف حقوق تامین سعادت فرد است . مانند آزادی بیان آزادی رفت و آمد و ...

الف : در عرصه سیاسی دموکراسی را پیشنهاد میکند (رقابت آزاد برای بدست آوردن قدرت) حکومت در نتیجه اراده انسانها است

پس حکومتها باید آزادی افراد را بیشتر بسازد و نمیتوان این آزادی را محدود کرد.

ب : در عرصه اقتصادی بازار آزاد و قانون عرضه و تقاضا را پیشنهاد میکند اقتصاد بر اساس عرضه و تقاضای بازار و رقابت تنظیم میشود ، دولت ها نباید در اقتصاد دخالت کند زیرا در اقتصاد دولتی دیگر تلاش نمیکند و موجب فساد است .

ج : از نظر حقوقی اصل حاکمیت اراده و آزادی قرارداد ها را پیشنهاد می کند . اشخاص اگر تعهدی را میپذیرد بر اساس اراده خودشان است که در نتیجه قرارداد است .

انتقاد :

این شیوه به بی عدالتی منجر میشود . زیرا با آزادی های بی قید و شرط ثروتمندان ثروتمند تر شده فقیران فقیر تر میشوند و فرصت چانه زنی برای مشتری باقی نمی ماند و تبدیل به ظلم میشود . پس باید یک برابری وجود داشته باشد .

مشکلات جامعه بر اساس قرارداد اجتماعی حل نمیشود زیرا بسیاری از افراد جامعه از آزادی خود سوء استفاده میکنند .

در اقتصاد هیچ سرمایه داری حاضر نمیشود که بالای دیگران حق بدهد زیرا به دنبال منافع خود است . افراد ضعیف جامعه قدرت مقابله با سرمایه داران را ندارند سرمایه داران به دنبال انحصاری کردن اقتصاد میباشد .

- 2 اصالت جمع (سوسیالیسم)

بر اساس این نظریه فرد هیچ ارزشی ندارد بلکه جامعه اصالت دارند . درست است که افراد جامعه را شکل میدهد اما تا جامعه نباشد هیچ فردی به حقوق نیازهای خود و عدالت خود نمیرسد بنابراین افراد تا جایی آزاد میباشد که جامعه برای او آزادی را تامین میکند__

هدف قواعد حقوقی؛ تامین نظم و منافع اجتماع است .این مکتب معتقد است جامعه یک مفهوم اعتباری نیست که از فرد تشکیل شده باشد بلکه یک واقعیت اجتماعی بنام جامعه وجود دارد .باید حدودی از آزادی افراد را فدای جامعه کرد .با تامین سعادت جامعه سعادت فرد تامین میشود .از نظر آنها حکومت باید عدالت را (قدرت و ثروت) بین افراد جامعه تقسیم نماید.

مثال: آزادی بیان - عقیده - حیات - مسکن -

الف : در عرصه سیاست منتهی به دولت کمونیستی می شود .حکومت ناشی از اراده جامعه است و دولت است که به نمایندگی از افراد جامعه قوانین را تطبیق میکند.

ب : در عرصه اقتصاد به اقتصاد دولتی و بازار کنترل شده منجر میگردد رقابت نمیتواند موجب عدالت شود بلکه موجب فساد است . دولت باید در اقتصاد دخالت کرده و نیازهای مالی جامعه را تامین میکند.

ج : در عرصه حقوق به منع آزادی قرارداد و محدودیت حاکمیت اراده فردی می انجامد .مبنای قواعد حقوقی اراده جامعه است .قراردادها در صورتیکه جامعه تعیین کند قابل اعتبار میباشد.

انتقاد:

• این مکتب مانع از تلاش و رشد و شکوفایی استعدادها میشود و از طرف دیگر باعث سلب آزادی و اراده افراد میگردد.

- • افراد جامعه را تشکیل میدهد. اگر آنها نباشند جامعه ای وجود ندارد در صورتیکه فرد به نیازهای خود نرسد جامعه نیز به اهداف خود نمیرسد.

▪ قدرت سیاست و اقتصاد با قواعد حقوقی تنظیم میشود. این قدرت اکنون به دست دولت و حکومت است. این مطلب خیلی خطرناک است.

- • در اقتصاد دولتی فساد وجود دارد، اگر رقابت وجود نداشته باشد دیگر کسی به منافع خود توجه نمیکند.

نتیجه:

هدف حقوق اینگونه نیست که فقط فرد یا جامعه اصالت داشته باشد، هدف از حقوق حمایت از فرد و جامعه با هم است امروزه دیگر این دو نظریه با هم دو قواعد حقوقی اثر میکند و از طرفی حقوق فردی قابل احترام است و از جهتی دیگر هم حقوق جامعه باید رعایت شود.



تقسیمات و شاخه های علم حقوق:

اصولا دانش حقوق را از جهت منشا پیدایی، رابطه حقوقی و از لحاظ قلمرو اجرایی میتوان به سه گروه جامع تقسیم بندی کرد.

معیار اول: بر اساس منشاء پیدایی و ایجاد مقررات حقوقی

1- حقوق طبیعی

حقوق طبیعی به حقوقی گفته میشود که اشخاص بر پایه طبیعت (قانون طبیعت) خود دارا هستند. بدون آن که مشروط به توافق دیگران وجود نهادهای سیاسی و قضائی و یا قوانین و سنتها باشد

بنابراین حقوق طبیعی به هر انسان در هر زمانی و هر مکانی تعلق میگیرد .

نامشروط و تغییرناپذیر است و به کسی دیگر نمیتوان واگذار کرد.

اساسی ترین حقوق طبیعی بشر که بیش از همه بر روی آنها توافق هست، عبارتند از :حق زندگی

آزادی و برابری و تملک (.تصاحب تملک و محافظت از دارایی خود)حکومت ها باید سعی کنند

اگر حقوق موضوعه ای دارند در راستای این حقوق عام و کلی و فطری باشد

.و به عبارتی در سرلوحه ی تمام قوانین قرار دارند.

تصدیق حقوق طبیعی با محدود کردن آن همراه است .بدین معنا که حقوق طبیعی هر فرد

محدوداست به حدی که همان حقوق را به همان اندازه برای دیگران نیز تضمین کند.

پیروان حقوق طبیعی معتقدند حقوق و قوانین برگرفته از عقل (فطرت) و طبیعت است و انسانها به

عنوان آفریدگان طبیعت و خداوند میبایست بر مبنای فرمانها و قوانین طبیعت و خدا زندگی خود

را اداره و اجتماع خود را سازمان دهند و سعادت انسان ها را در اجتماع تامین می کند .و اعتبار

آن ناشی از همین است اما در مکاتب تحقیقی که خود به شاخه های مختلفی تقسیم میشوند

اعتبار قوانین ناشی از اراده قانونگذاری است که آنها را وضع کرده و چیزی به نام حقوق طبیعی

وجود ندارد.

بنابراین می توان گفت :آن قواعد و مقرراتی که تمام ملت ها و قبایل و اجتماعات آن را تایید کرده

اند و در روابط خود بکار می بندند و تمامی حقوق و تکالیف خود را بر مبنای آن قرار می دهند،آن

حقوق طبیعی (فطری)می باشد.

جرمی بنتام ایده حقوق طبیعی را تخیلی و استدلالهای مدافع آن را لفاظی های پوچ مینامید .
چرا که سخن گفتن از حق بدون آنکه تکلیف لازم الاجرای برای احترام به آن وجود داشته باشد
نا ممکن است و قابلیت اجرا فقط با وجود یک نظام قانونی امکان پذیر است.

- 2 حقوق موضوعه

به قوانینی گفته میشود که با تصمیم انسانها در یک جامعه و نه لزوماً مبتنی بر اخلاقیات قوانین
مقدس (الهی) و یا قوانین طبیعی وضع میشود.

به عبارتی مجموعه قواعد و مقرراتی است که در زمان معین در یک جامعه ی مشخص اعمال می
شود.

این قواعد و مقررات شامل رسوم و عرف ها، قوانین رویه های قضایی و قراردادهای عمومی و
شخصی و امثال آنها هستند.

معیار دوم از جهت رابطه:

بر اساس اینکه روابط قدرت حکومت و افراد و نیز روابط افراد جامعه با یکدیگر مورد توجه است
به حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می شود.

- 1 حقوق عمومی:

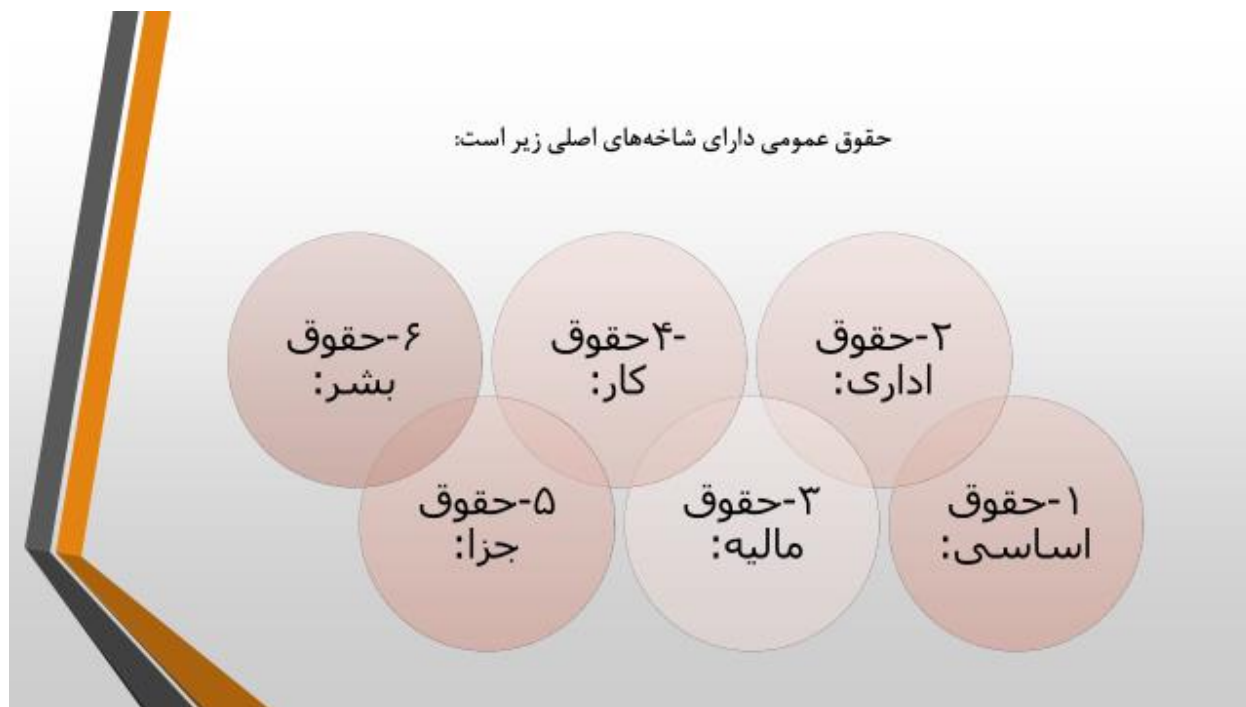
حقوق عمومی قواعد مربوط به سازمان دولت و طرز عمل آن و مقررات مربوط به سازمان های دولتی و به طور کلی روابط بین مردم و دولت را تنظیم می کند.

بررسی روابط دولت و سازمان های وابسته به آن و مامورین آنها با افراد جامعه در قلمرو این علم است.

معمولا مهمترین مقررات حقوق عمومی هر کشور در قانون اساسی آن کشور بیان می شود (البته ممکن است قانون اساسی کشوری مدون یا گاهی هم غیرمدون باشد)

اهداف عمده حقوق عمومی عبارتند از:

- 1- تهیه و ارائه خدمات عمومی در جهت منافع عمومی.
- 2- برقراری امنیت و نظم عمومی
- 3- تنظیم روابط فرد با دولت و دولت با فرد (که در این زمینه حقوق عمومی از حقوق مدنی جدا می شود)
- 4- مهار و کنترل قدرت دولت یا حاکمیت و برقراری حکومت قانون و یا همان قانون مداری
- 5- اعلام و حفظ و حمایت حقوق طبیعی فرد و حقوق سیاسی شهروندان



حقوق عمومی دارای شاخه‌های اصلی زیر است:

1- حقوق اساسی:

حقوق اساسی پایه و مبنای حقوق عمومی است. زیرا در آن ساختمان حقوقی دولت و رابطه سازمان‌های آن با یکدیگر مطرح می‌شود هم چنین در آن حقوق سیاسی مردم و نیز تکالیف اصلی که برعهده دولت‌ها است گفته می‌شود.

2- حقوق اداری:

در این شاخه درباره اشخاص حقوق اداری و تشکیلات و وظایف ادارات دولتی و جاهایی مثل شهرداری‌ها و نیز تقسیمات کشوری و روابط این سازمان‌ها با مردم بحث می‌شود.

3- حقوق مالی:

قواعد مربوط به مباحث مالی مثل مالیات‌ها و نیز عوارضی که دولت از مردم دریافت می‌کنند و مقررات مربوط به آن‌ها و مباحث بودجه کشور، در این شاخه قرار می‌گیرد.

4- حقوق کار:

رابطه بین کارگر و کارفرما و مسائل اجتماعی ناشی از آن و نیز تامین اجتماعی در این شاخه مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

5- حقوق جزا:

شاخه‌ای از حقوق است که اعمال و اقدامات و یا ترک اقدامات لازم که به منافع عمومی و یا امنیت عمومی آسیب وارد می‌کند و باید مورد (مجازات) قرار گیرد را در برمی‌گیرد. در این شاخه آن گونه رفتارهای مجرمانه که اعمال مجازات از سوی دولت را در پی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

6- حقوق بشر:

آن دسته از حقوق بنیادین و طبیعی را که انسان‌ها باید داشته باشند به عنوان حقوق بشر می‌خوانند و حقوق بشر نیز در زمره مباحث حقوق عمومی می‌تواند قرار گیرد

2* حقوق خصوصی:

حقوق خصوصی مجموعه قواعد حاکم بر روابط افراد با یکدیگر است؛

قواعدی که در روابط تجاری، خانوادگی و تعهدات اشخاص در قبال یکدیگر مورد استفاده قرار می - گیرد و حاکم است، در این مجموعه قرار دارند. در مقابل، حقوق عمومی مجموعه قواعدی هستند که به تنظیم روابط دولت با مردم می پردازند.

مثل روابط مالک و مستاجر

مانند: حقوق خصوصی، حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق خانواده، حقوق مالکیت فکری

تفاوت عمومی و خصوصی:

• منافع :

هدف حقوق عمومی حمایت و تامین منافع اجتماعی و عموم و در حقوق خصوصی، حمایت از منافع افراد است.

• ضمانت اجرایی:

اگر حقوق خصوصی مورد انکار و تجاوز قرار گیرد ذینفع می تواند به دادگاه های دادگستری مراجعه و دادخواهی کند ولی در مورد حقوق عمومی مرجع شکایت خود دولت است که نمیتواند دادرسی باشد و خود را برای تجاوز به حقوق دیگران محکوم کند فرضاً اگر قانونی وضع کند و جرمه توقف ممنوع را به ... افزایش دهد. مردم نمی توانند از دولت شکایت کنند.

• موضوع حقوق عمومی تنظیم رابطه میان دولت با مردم و تشکیلات دولتی است همچنین ساختار دولت در آن بررسی میشود در حالیکه موضوع حقوق خصوصی تنظیم کننده روابط میان اشخاص میباشد.

معیار سوم از جهت قلمرو اجرایی:

با توجه به وضع و اجرای مقررات حقوقی در داخل مرزهای هر کشور و نیز در خارج از مرزها و در سطوح بین المللی به دو گروه حقوق داخلی و حقوق خارجی (بین المللی) تقسیم می شود.

1- حقوق داخلی

حقوق داخلی (ملی) مجموعه قواعد و مقررات است که در حدود و ثغور یک کشور بر روابط افراد آن سرزمین حکومت کرده و این روابط را تحت نظم و انضباط در می آورد. به عبارتی بر دولت معینی حکومت می کند.

پس حقوق (داخلی) ملی وابسته و مخصوص به دولت و ملت معین است و هنگامی که سخن از حقوق ایرانی یا حقوق سوئیس می باشد، منظور حقوق ملی این کشورهاست. که به طور معمول در سراسر کشوریکسان اعمال می گردد.

- 2 حقوق خارجی (بین المللی)

مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر-رابطه دولتها با یکدیگر -دولتها با سازمانهای بین المللی - سازمانهای بین المللی با یکدیگر امروزه اشخاص هم به عنوان تابع حقوق بین الملل در حقوق بشر مد نظر قرار گرفته اند

قلمرو حکومت این حقوق محدود به دولت و ملت معینی است و از روابطی سخن می گوید که عامل خارجی (غیر ملی) در آن دخالت دارد. این رشته از حقوق همانند حقوق داخلی که به خصوصی و عمومی تقسیم می شود به بین الملل عمومی و خصوصی تقسیم می شوند.

رابطه حقوق با اخلاق و مذهب

اخلاق

در فلسفه اخلاق درباره خوب یا بد بودن یک امر دیدگاههای مختلفی وجود دارد. مثلا در یک دیدگاه تنها در صورتی یک امر خوب است که نتیجه(ها) یی دلخواه به همراه داشته باشد(نتیجه گرایی/ پیامدگرایی/ غایت گرایی)

اما دیدگاهی دیگر بدون رد نتیجه های دلخواه خوب بودن یک امر را ذاتی میدانند(وظیفه گرایی). برخی از ادیان گرایش دوم در اخلاق را پذیرفته و ادعا مینمایند. در اخلاق دین مدار این نتیجه ها ممکن است در جهان دیگر که فرا مادی است نیز اتفاق بیافتند اما در اخلاق غیر دینی رخداد نتیجه های دلخواه برای مثلا جامعه انسانی تنها در جهان مادی مد نظر است

رابطه حقوق و اخلاق

با توجه به یکی بودن منشاء وضع قواعد اخلاق و حقوق نتیجتاً بسیاری از قواعد اخلاق و حقوق مشترک هستند یعنی بعضی از قواعد اخلاقی جامعه علاوه بر این که یک قاعده ی اخلاقی هستند ضمانت اجرای آنها توسط دولت نیز تامین می شود و خاصیت حقوقی پیدا می کنند در گرایش های دیگر حقوق نیز که منشاء حقوق اراده ی عموم است تاثیر پذیری اخلاق و حقوق از یکدیگر وجود دارد زیرا چون اراده ی عموم منشاء قانون گذاری است پس دولت به عنوان نماینده ی عموم باید به آنچه جامعه حسن و قبح می شمارند احترام بگذارد و به این حسن و قبح ها در قانون گذاری خود توجه کند

همچنین در این نظام ها همان طور که اخلاق بر قانون تاثیر می گذارد قانون نیز بر اخلاق تاثیر دارد به این صورت که بعد از ایجاد یک قاعده ی حقوقی و اعمال ضمانت اجرا برای آن خود به خود پس از چندی این قاعده برای مردم تبدیل به عرف می شود و تخطی از آن قبح به شمار می آید

مذهب و رابطه آن با حقوق

مذهب یکی از اساسی ترین نیروهای سازنده حقوق به شمار می رود و حتی در کشورهایی که حقوق را به طور کلی از مذهب جدا ساخته اند هرگز اثر عقاید مذهبی را در تدوین و اجرای قانون انکار نمی کنند.

ارتباطی که بین حقوق و مذهب وجود دارد کما بیش در برخی مکاتب و نظامات حقوقی پذیرفته شده است

به طوری که در حقوق اروپای غربی (رومی ژرمنی) مبنای حقوقی را قواعد روم و تعلیم های اخلاقی مذهب مسیح و افکار آزادی خواهانه حکیمان قرن هجدهم تشکیل می دهد و مبنای اصلی حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا (کامن لا) را نیز اخلاق ناشی از مذهب مسیح و سیاست مربوط به حمایت فرد و آزادی او تشکیل می دهد و رفته رفته در حقوق آنها قواعدی وضع شده که با قواعد گروه رومی ژرمنی شباهت فراوان دارد.

حقوق اسلام نیز حقوق مذهبی است . یعنی قواعد آن از منبع وحی سرچشمه گرفته است . در کشور ما مذهب عملاً بخش مهمی از حقوق کنونی را به وجود آورده است . به طوری که قوه مقننه موظف است که از مقررات مذهب جعفری پیروی کند و نباید قانونی برخلاف احکام مذهب امامیه وضع کند



سلسله مراتب قوانین

قانون:

در لغت به معنای

رسم ، قاعده ، روش و آیین به عبارت دیگر هر چیزی که تنظیم کننده رفتار انسان باشد ،قانون

نام دارد

حقوق فرهنگی و رسانه ای ،مدون شدن و جنبه شکلی و تشریفاتی آن است.

الف - قانون اساسی

راس سلسله مراتب قانونگذاری به قانون اساسی میرسد

در نظام قانون گذاری کشورها قانون اساسی بالاترین قانون است که شالوده نظام سیاسی تشکیلاتی

آن کشور و اصول و قواعد حقوقی حاکم بر مردم آن سرزمین را بیان میکند

و به عنوان قانون مادر، هیچ کس حتی قوه مقننه حق تخطی از آن یا تجاوز به آن را ندارد. تعریف:

قانون اساسی به عنوان قانون مادر عالیترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین

دیگر است

قانون اساسی، قانونی است که اصول و مقررات نظام حکومتی، چگونگی حکومت و حدود و

اختیارات آن، اساس قوای اداره کننده کشور و حقوق و وظایف افراد را معین می سازد

قانون اساسی در حقیقت تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا

متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای

حاکمه اعم از قوه مجریه، مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند.

علاوه بر این قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و

اصول حاکم بر سیاست های قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای

تنظیم قوانین دیگر است.

هیچ قانون و مقررات نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد

ب* قانون عادی

در قانون اساسی از قانون عادی تعریف نشده است با ملاحظه اصول مختلف قانون اساسی و از جمله اصول ۵۸ - ۹۴ - ۱۲۳ میتوان گفت از نظر شکلی قانون عبارتست از مقرراتی که با تشریفات خاص توسط قوه مقننه وضع و بموقع اجرا گذارده میشود.

در ایران استقرار و اجرای قانون منوط به تائید شورای نگهبان بر عدم مخالفت آن با قانون اساسی و احکام شرع و امضای ریاست جمهوری اسلامی است.

قواعدی نیز که از راه همه پرسی به تصویب ملت رسیده است در شمار قوانین در می آید.

در مورد اینکه مصوب همه پرسی و انطباق این قوانین با شرع و قانون اساسی در صلاحیت شورای نگهبان است یا خیر

مصوبات دولت

هرگونه قانون یا مطلبی را که در مجلس یا شورای لازم الاجرا تشخیص می دهند و ابلاغ می کنند، مصوبه می نامند.

مثال: تصویب نامه در خصوص صدور کتاب به خارج از کشور توسط دفتر نشر فرهنگ

اسلامی



حقوق فرهنگی

هرچند در نزد اندیشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی و جامعه شناسی تعریف دقیق و کاملی از واژه فرهنگ وجود ندارد ولی با اندکی تعمق می توان بیان داشت فرهنگ از آن مردم است؛ فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی میکنند.

مجموعه پیچیده ای از دانشها، باورها، هنرها، قوانین اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرا می گیرد تعریف میکند.

فرهنگ ضمن معرفی هویت یک جامعه عملاً دارای خاصیت انتقال پذیری به آینده می باشد . هر منطقه از هر کشوری میتواند فرهنگی متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد.

عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات و آیین نامه های اجرایی و بخشنامه ها که از مراجع ذیصلاح ابلاغ می گردد و هدف از آنها اجرای عدالت و نظم در جامعه و نیز احقاق حقوق فرهنگی می باشد.

منابع حقوق فرهنگی :

قانون اساسی

قانون و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

قانون مجازات اسلامی

توافق نامه های داخلی باهم و دولت ها با هم

قانون مجازات اخلاق گران در نظام اقتصادی کشور

قوانین مربوط به صنایع دستی ایرانگردی و جهانگردی

حقوق فرهنگی در قانون اساسی

قانون اساسی کشور ما بر مبنای اسلام تدوین شده و به همین جهت فرهنگ و حقوق فرهنگی در آن جایگاه ویژه ای دارد.

طبق مقدمه این قانون اصولاً حکومت از دیدگاه اسلام، تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید.

از این رو قانون اساسی هدف از حکومت را رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی (والی الله المصیر) می داند تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها ی انسانی فراهم آید.

ویژگی های حقوق فرهنگی:

1. حقوق فرهنگی دانشی جوان و جدید است: ؟

جوان بودن حقوق فرهنگی به خاطر این است که در کشور ما این مفهوم امری کاملاً نو می باشد و با وجود اینکه در سایر رشته های حقوق شاهد نگارش کتاب و تألیفات متعددی بوده ایم و در باره ارتباط با معقوله ی فرهنگ و با مسائل مرتبط با آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم مطالب زیادی نوشته و تحریر شده ولی چیزی را مستقیماً به نام حقوق فرهنگی وجود ندارد.

2. حقوق فرهنگی دارای قانون واحد و مدونی نمی باشد:؟

یعنی مانند قانون مدنی یا تجارت یا قانون مالیاتی یا قوانین دیگر قانون واحد و جامعه ای به این نام نیست.

3. حقوق فرهنگی حیطه ی وسیعی از موضوعات را شامل می شود: ؟

به تعبیر بهتر به دلیل گستردگی و تنوع پذیری بسیار زیاد مسائل فرهنگی امور مختلفی می تواند در مباح مورد مطالعه حقوق فرهنگی قرار گیرد.

اهمیت و نقش حقوق فرهنگی:

1. حقوق فرهنگی باعث می شود که در روشنی از فرهنگ جامعه حاصل شده و ضمن برخورداری موضوعات فرهنگی از پشتوانه قانونی لازم و حمایت دولت موجبات حفظ هویت فرهنگی را بوجود آورد.
2. حقوق فرهنگی با سامان دهی و نظم بخشی به مسائل متنوع فرهنگی مانع ورود آسیب های متعدد اجتماعی شده و سبب ناکارآمد هجوم های فرهنگی بیگانه می گردد
3. حقوق فرهنگی بهترین ابزار و وسیله تحقق مهندسی فرهنگی در یک جامعه است . منظور از مهندسی فرهنگی مشخص کردن اهداف و سیاست های مورد نظر در حیطه امور فرهنگی و نیز طراحی راهکارهای مناسب برای دستیابی به آنهاست.
4. حقوق فرهنگی زمینه اعمال مدیریت فرهنگی مطلوب را فراهم ساخته و سبب موفقیت در عرصه سایر سیاست های مختلف اقتصادی اجتماعی و ... می شود.

حقوق مالکیت فکری (معنوی):

به موضوعاتی می پردازد که منشا شکل گیری آنها فکر و اندیشه انسان است نام «مالکیت‌های فکری» را برای این حقوق ترجیح میدهند از آن جهت که منشاء این حقوق فکر و اندیشه انسان است مثال: کتاب، مقاله، اختراعات ..

«اثر» عبارت است از هر گونه آفریده ادبی و هنری که در آنر افکار و احساسات به شیوه ای اصیل ارائه شده باشند

« . پدیدآورنده >> عبارت است از شخص حقیقی که اثر را پدید آورده است

در مورد برنامه رایانه ای پدیدآورنده شخص یا اشخاصی هستند که براساس دانش و ابتکار خود تمامی مراحل ساخت اثر از جمله تحلیل، طراحی، ساخت و پیاده سازی برنامه را انجام می دهند. -در مورد حقوق مالکیت فکری تعاریف مختلفی ارائه گردیده است:

حقوقی نوینی است که چگونگی حمایت و استفاده از آفرینشهای فکری بشر را تعیین میکند. حقوقی است که نشأت گرفته از فکر، اندیشه و قوه تعقل انسان میباشد .

تعریفی که سازمان جهانی مالکیت فکری WIPO از مالکیت فکری نموده عبارتست از: حقوقی است که افراد بواسطه فعالیت هایی که در زمینه هایی از قبیل: صنعتی، علمی، ادبی، هنری و غیره بدست می آورند را گویند.

به حقوقی گفته میشود که به صاحبان آن حق بهره وری از فعالیتهای فکری و ابتکاری انسان را میدهد و ارزش اقتصادی و قابلیت داد و ستد دارد ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست. حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری یا مالکیت ادبی و هنری معروف به حق مؤلف یا حق تکثیر، حق اختراع، مشخصات مشترک انواع مالکیتهای فکری: غیر قابل لمس بودن، انحصاریت، قانونی بودن و محدود بودن به ناحیه خاص است موضوع مالکیت فکری بح نوینی نیست بلکه با پیدایش انسان مالکیت فکری نیز بوجود آمده است .

امروزه درباره اهمیت مالکیت فکری (معنوی) و حفظ آن در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی مباح فراوانی مطرح است .

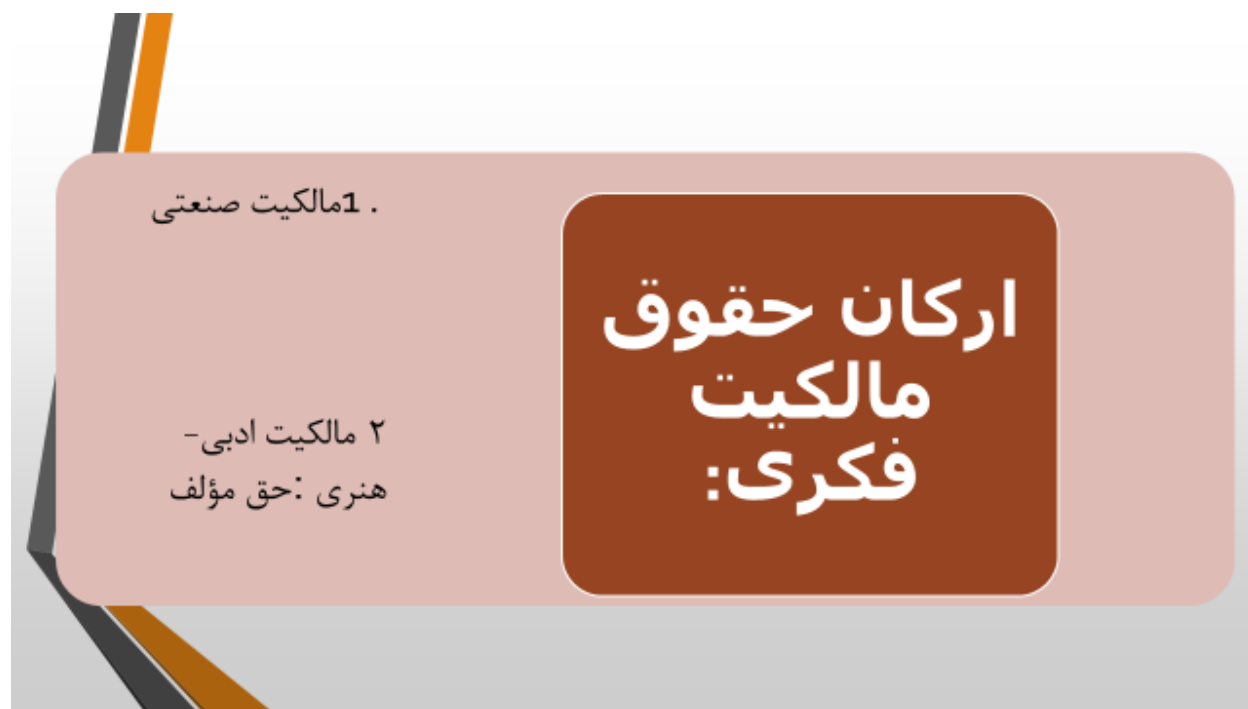
گسترش ارتباطات از طریق شبکه جهانی اینترنت و قابلیت دسترسی سریع و آسان به تمامی اطلاعات و سوء استفاده برخی افراد از آثار و دستاوردهای دیگران بر اهمیت حفظ این نوع مالکیت و اعتبار آن افزوده است.

سازمان جهانی مالکیت فکری وایپو

(به انگلیسی) World Intellectual Property Organization :یا (به انگلیسی :

WIPO یکی از 16 آژانس تخصصی سازمان ملل است .

ویپو با امضای توافقنامه ای در استکهلم در سال 1967 برای تشویق آثار خلاقانه در راستای حمایت از مالکیت معنوی (فکری) در جهان "تاسیس شد



ارکان حقوق مالکیت فکری:

1. مالکیت صنعتی:

جنبه بهره برداری مالی و تحصیل منفعت تجاری را در نظر دارد به این معنا که مشارالیه میتواند آن را نزد عموم عرضه نماید. حق اخیر بر خلاف حق معنوی قابل انتقال و معامله است. مالکیت صنعتی از اختراعاتها، طرحهای صنعتی، علائم تجاری یا خدماتی، اسامی تجاری، حق کسب و پیشه در تجارت و ... محافظت میکند

ورقه اختراع حق انحصاری است که در قبال اختراع ثبت شده به مخترع یا نماینده قانونی او اعطا می شود

اختراع محصول یا فرآیندی است که راه جدید انجام کاری را ارائه می دهد یا راه حل فنی جدیدی را برای مشکل خاصی پیشنهاد می کند.

- 2 مالکیت ادبی - هنری : حق مؤلف

هدف از مالکیت ادبی و هنری حمایت و حفاظت از آثار ادبیر هنری و علمی می باشد. برخی از حقوقدانان به جای اصطلاح مالکیت ادبی و هنری از اصطلاح حق مؤلف استفاده می کنند؛ هرچند در نگاه اول به نظر میرسد که حق مؤلف، ترکیب جامعی برای مالکیت ادبی و هنری نیست و عنوان مؤلف بیشتر برای نویسندگان به کار میرود و ما به طور مثال عکاس مؤلف یا مجسمه ساز مؤلف نداریم اما این مشکل به پیشینه تاریخی تدوین حقوق فکری بر میگردد؛ چرا که اوایل تنها کتابها و نویسندگان مورد حمایت بودند و به تدریج همراه با پیشرفت جوامع دیگر مخلوقات و ابتکارات بشری هم در زمره موضوعات مورد حمایت قرار گرفتند.

تعاریف مالکیت ادبی - هنری حق مولف یا مالکیت ادبی و هنری مربوط به آفرینش های فکری در زمینه ادبیات، موسیقی و هنر می باشد.

حق مولف یا مالکیت ادبی و هنری یا کپی رایت؛ حق پدید آورنده آثار ادبی، هنری و علمی در نامیده شدن اثر به نام او و نیز حق انحصاری وی در تکثیر تولید، عرضه، و بهره برداری از اثر خود است

به عبارتی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری می پردازد به عبارت دیگر

مالکیت ادبی و هنری یا حق مؤلف یا کپی رایت یک اصطلاح حقوقی است و عبارت است از

حقوقی که به ابداع کنندگان آثار ادبی و هنری تعلق می گیرد.

ارکان حقوقی مالکیت ادبی و هنری

هدف از حمایت حق مؤلف حفظ منافع فردی مؤلف از یک سو و رعایت مصالح و حفظ

نظم عمومی اجتماع از سوی دیگر است .

حمایت از حق مادی و معنوی مؤلف موجب تشویق و ترغیب مؤلفان و مصنفان و در نتیجه

گسترش فرهنگ و هنر خواهد بود.

از مهم ترین حقوق صاحب اثر می توان به حق مادی و معنوی اشاره کرد.

الف - حق معنوی

پدید آورنده (مؤلف و هنرمند) دارای برخی حقوق و امتیازات غیر مادی است که مربوط به

شخصیت او و برای حمایت از آن است. قانون گذار این حقوق را تحت عنوان حقوق معنوی

(اخلاقی) برای صاحب اثر شناسایی کرده است.

مهم ترین ویژگی های حق معنوی:

- 1 غیر قابل انتقال بودن

معنای آن اینست که انتقال این حق به موجب قرار داد جایز نیست، هر گونه قراردادی در این فرضیه محکوم به بطلان است.

- 2 عدم محدودیت در مکان

به این معنا که تفاوت نمی کند اثر کدام کشور انتشار یافته یا عرضه گردیده است از حقوق معنوی پدیدآورنده اثر حمایت لازم به عمل می آید.

- 3 عدم محدودیت زمان

به این معنا که دائمی است و با مرور زمان ساقط نمی شود و با یک بار خلق و انتشار اثر، نام و ارتباط اثر با شخصیت پدید آورنده بدست تاریخ و زمان سپرده نمی شود.

ب - حق مادی:

حق مادی شامل حق نشر پخش عرضه اجراء توزیع اثر و به طور کلی حق بهره برداری های مالی از اثر است. حق بهره برداری انحصاری ناشی از تکثیر یا نمایش یا عرضه عمومی اثر که در بر دارنده منافع مالی است، حق مالی خوانده می شود.

ویژگیهای حقوق مالی:

- 1 قابل نقل و انتقال بودن

حقوق و امتیازات مالی پدید آورنده دارای این مزیت است که برای پدید آورنده حق انحصاری ایجاد می کند که می تواند آن را در کلیه موارد به غیر انتقال دهد.

- 2 موقتی بودن

حقوق مادی پدید آورنده حق دائمی و پایدار نیست بلکه محدودیت در زمان دارد. زمان حیات و مدتی خاص پس از حیات قبول اصل موقتی بودن حق انتفاع مادی مؤلف از لوازم ترقی و تکامل بشری است.

میتوان گفت آثار فکری و ذوقی پس از چندی استفاده بین عموم متداول می شود .

همین رواج و جریان آنها در بین عموم سلطه عمومی را نسبت به این آثار در پی دارد که مساوی

است با خلع مؤلف از حق انحصاری به عبارتی محصول مؤلف مربوط به جامعه است و عموم

مردم باید از آن مستفید باشند

دلایل کشورها برای حمایت از مالکیت فکری:

1- دادن وجهه قانونی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان در مورد آثارشان و حقوق جامعه در دستیابی به آن آثار.

2- بالا بردن زمینه خلاقیت و پخش و انتشار نتایج حاصل از آن و حمایت از تجارتی منصفانه که می تواند به توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کمک نماید.



حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری در قوانین بین المللی

1. کنوانسیون برن برای حمایت مالکیت ادبی و هنری

« .کیپی رایت » کنوانسیون جهانی حق مؤلف

3. کنوانسیون رم برای حمایت حقوق مولفان و آهنگ سازان

4. موافقتنامه تریپس

1. کنوانسیون برن

کنوانسیون برن یک موافقتنامه بین المللی است که برای حمایت از آثار ادبی و هنری برای اولین بار در شهر برن در سوئیس در سپتامبر سال (1886 شهریور 1265 شمسی) تصویب شد.

این کنوانسیون از زمان انعقاد تاکنون چندین مرتبه مورد تجدید نظر واقع شده و قریب به یک قرن سه دولت ایالات متحد آمریکا اتحاد جماهیر شوروی سابق و چین به آن ملحق نشده بودند. بر اساس این کنوانسیون پدیدآورنده کسی است : که دارای تابعیت یکی از کشورهای عضو بوده و یا اثر خود را برای نخستین بار در یکی از کشورهای عضو اتحادیه منتشر نماید و یا اقامتگاه وی در یکی از کشورهای عضو اتحادیه باشد.

کنوانسیون برن به کشورهای امضاکننده این امکان را می دهد که استفاده منصفانه از آثار حمایت شده دیگران را اجازه دهند و تعیین مصادیق و شرایط این استفاده مجاز را بر عهده قوانین ملیّ خود کشورها باقی می گذارد.

قواعد معاهده برن در حالت کلی جنبه الزام آور دارد؛ کشورهای عضو مجاز به نقص آن در قلمرو کشوری خود نیستند، مگر در موارد معدودی که درج شرط مجاز شده است.

مزیت عمده ی عملی برای کشوری که به میثاق برن می پیوندد این است که آثار مؤلفان آن کشور به خودی خود در تمام کشورهای عضو میثاق مورد حمایت قرار می گیرد.

متن میثاق با توجه به تغییرات اساسی در وسایل خلق آثار که ناشی از پیشرفت فن آوری بوده چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفته است. در سال های 1908 ر 1928 ر 1948 ر 1967 و 1971

از مهمترین ویژگی های کنوانسیون برن:

1. این کنوانسیون بر مبنای اصل رفتار ملی استوار است؛ بر اساس اصل رفتار ملی هر یک از کشورهای عضو متعهد هستند که رفتار مساوی و یکسانی با تبعه خود و تبعه خارجی اعمال نمایند. (در حمایت از آثار پدید آورنده)

2. قرارداد بر اساس اصل حمایت بدون تشریفات انجام برخی اقدامات از قبیل ثبت اثر را شرط بهره مندی از حمایت قانونی نمیداند.

3. مدت عادی حمایت از حقوق مادی اثر بر اساس ماده 7 قرارداد دوران زندگانی خالق اثر و نیز 50 سال پس از مرگ او است (به غیر از آثار عکاسی و کارهای سینمایی).

در مورد آثار مشترک همین مدت از تاریخ مرگ پدیدآورنده با عمر طولانی تر و در مورد آثاری که مؤلفانشان ناشناخته یا با نام مستعار دارند همین زمان از تاریخ انتشار اثر ملاک محاسبه میباشد.

آثاری هم که پس از مرگ صاحب اثر انتشار مییابد تا 50 سال پس از مرگ از حمایت قانونی برخوردار است. کنوانسیون برن هم اکنون توسط " سازمان جهانی مالکیت فکری که مقر آن در ژنو سوئیس است، اداره میشود.

با اینکه کنوانسیون برن یکی از کنوانسیون های اصلی و مادر در زمینه کپی رایت به شمار می رود اما کشور ما تا کنون به آن ملحق نشده است. که دلیل عمده آن مساله زیان و ضرر اقتصادی که ناشی از الحاق به این معاهده و پذیرش مفاد آن است می باشد.

لکن در بد بین المللی تاکنون ایران به بخش کنوانسیون برن از سازمان جهانی مالکیت نپیوسته است

. عدم پیوستن ایران به این کنوانسیون موجب شده است که نویسندگان، مترجمان و محققان داخلی بتوانند آزادانه و بدون پرداخت هیچ وجهی یا اجازه ای از صاحب اصلی اثر چه مکتوب و چه الکترونیکی و رایانه ای آن اثر را تکثیر، اقتباس تحریف و حتی به نام خود ترجمه و چاپ نمایند و البته بسیاری از افراد سایر ملل نیز توانسته اند آثار ارزشمند علمی ادبی، هنری و تحقیقاتی ما را به طرق فوق استفاده نمایند که به این خاطر بارها در مجامع عمومی مسئولین امر مورد سرزنش و توبیخ قرار گرفته اند.

علت امر نیز واضح است زیرا کشور ما اکنون در حال رشد و ترقی است و روز به روز به یافته های کشورهای پیشرفته دنیا حداقل در زمینه های علمی نیازمند است. و با وجود خصومت های آشکار و نهان قدرت های بزرگ هیچ تضمینی وجود ندارد که در صورت الحاق ایران به کنوانسیون های فوق مشکلی در جهت بهره برداری از کتب نرم افزارها و اطلاعات اینترنتی برای محققان و دانشمندان داخلی به وجود نیاید و آن اطلاعات به سهولت یا با هزینه های متعارف به ما داده شود

لذا هزینه های عدم الحاق را قابل تحمل تر دانسته اند

.و از طرف دیگر برای حمایت از تلاش محققین و مصنفین در داخل کشور این حقوق به رسمیت شناخته شده تا انحصاری بودن آنها برای ایشان تشویقی برای ادامه تلاششان باشد.

« 2کپی رایت » کنوانسیون جهانی حقوق مؤلف

این کنوانسیون در سال 1952 تحت نظر سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو در ژنو برگزار شد و در سال 1955 به اجرا در آمد .و در سال 1971 در پاریس مورد تجدید نظر قرارگرفت و در حال حاضر 94 عضو دارد. .

هدف از انعقاد این کنوانسیون آن بود که در کنار کنوانسیون برن معاهده جدیدی در زمینه

مالکیت ادبی و هنری با الزامات و تعهدات کمتر نسبت به آن انعقاد یابد تا کشورهای بیشتری

را به خود جلب کند، دو دلیل عمده باعث بوجود آمدن این کنوانسیون بود؛

• اول اینکه آمریکا به جهت ویژگی های خاص قوانینش مثل طی مراحل تشریفاتی اجباری به

عنوان شرط حمایت و پیچیدگی در خصوص دوره حمایت که نمیتوانست منطبق با کنوانسیون

برن باشد و به همین دلیل قادر به پیوستن آن نبود.

• دیگر اینکه کنوانسیون برن خواسته های کشورهای در حال توسعه را تامین نمیکرد.

چرا که آنان در شرایطی که چند سال کشورهایی که عضو کنوانسیون برن بودند مانند فرانسه و

هم کشورهای که عضویت آن کنوانسیون را نپذیرفته بودند مانند امریکا عضویت یافتند

در این نکته جالب در این مورد تکلیفی است که به عهده دولتهای عضو گذاشته شده و در

قسمتی از این کنوانسیون چنین تصریح گردیده

• هر دولت متعهد باید طرق حقوقی لازم را برای حمایت بدون تشریفات از آثار انتشار نیافته

اتباع سایر کشورها تأمین سازد، طبیعی است قبول چنین تعهدی برای بسیاری از کشورها زیان

بخش است

در الحاق به این کنوانسیون نمی توان هیچ جزء از آن را مستثنی کرد بنابراین در صورت قبول

آن باید تمامی مقررات آنرا یک جا پذیرفت.

بنابراین نکات برجسته معاهده جهانی حق مؤلف از این قرار است:

1. برخلاف کنوانسیون برن که در ذکر آثار مورد حمایت مصادیق جزئی هر پدیده هنری را نام

برده بود در این معاهده از فرآیندهای فکری به صورتی کلی با ذکر آثار نوشته، موسیقی، نمایش،

سینمایی، نقاشی، گراور و پیکر تراشی نام برده شده است.

2. مدت عادی حمایت در این قرارداد زمان حیات خالق اثر و 25 سال پس از مرگ اوست که

این مدت کمتر از معاهده برن است . دلیل این امر چیست؟

. 3 قرارداد جهانی حق مؤلف برخلاف قرارداد برن که به اصل حمایت بدون تشریفات پایبند است

در یک مورد تشریفات را پذیرفته و شرط برخورداری اثر از حمایت را-

-درج علامت (C کوتاه شده) Copyright ر

-نام صاحب اثر

-نخستین سال انتشار بر روی اثر قرارداده است.

کنوانسیون رم:

در سال 1938 اتحادیه بین المللی انجمنهای مؤلفان و آهنگ سازان پس از آن در رم در 26 اکتبر 1961 در کنفرانس دیپلماتیکر به تصویب نهایی رسید. این کنوانسیون مشتمل بر 34 ماده بوده و تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری می باشد.

مهمترین ویژگی های کنوانسیون رم

1 - اصل رفتار ملی

2 - تعهدات حداقل است.

در خصوص حمایت از تولید کنندگان صفحات موسیقی در مقابل استفاده های غیر مجاز و پرداخت غرامت به آنها منعقد کرد

موافقتنامه تریپس

• موافقت نامه تریپس ضمیمه انفکاک ناپذیر

• سازمان جهانی تجارت (wto world trade organization)

است

هم چنین یکی از ارکان موافقت نامه های این سازمان در کنار موافقت نامه عمومی مربوط به تجارت کالا و موافقتنامه عمومی مربوط به تجارت خدمات به حساب می آید.

مهمترین ویژگی های این موافقت نامه عبارتند از:

1. این موافقت نامه از نظر پوشش انواع پدیده های فکری و حقوق مالکیت فکری از جامع ترین

موافقت نامه های موجود می باشد.

2. تعیین (استانداردهای حداقل) حمایتی است

3. تأکید بر مسأله اجرا

مطابق تریپس کشورهای عضو موظف هستند مقررات موافقتنامه سازمان تجارت جهانی را در مورد اتباع کشورهای عضو به اجرا درآورند. منظور از تبعه، تمام اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که تحت کنوانسیون پاریس، برنر و معاهده رم باید مورد حمایت قرار بگیرند.

4. سازوکار حل اختلاف

طبق مفاد این موافقت نامه در صورتیکه یکی از اعضای سازمان جهانی تجارت ادعا نماید که عضو دیگری تعهدات خود را در خصوص حمایت از حقوق مالکیت فکری نقض کرده است، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت ارجاع داده می شود و در آنجا رأی نهایی صادر و عضو محکوم علیه ملزم به اجرای رأی می باشد.

این دو، دو دنیای متفاوت از هم اند:

• برن برای تمرکز بر جنبه های ماهوی حقوق مالکیت فکری (در آثار ادبی-هنری) و

• تریپس برای تقویت کاربرد این حقوق در دنیایی بدون مرز اقتصادی.

چنانکه گفته شد، تریپس برای وارد کردن مالکیت فکری در نظام تجارت جهانی، طرحریزی شده است.

فصل سوم

حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران

بی تردید امروزه یکی از شاخص های توسعه یافتگی کشورها میزان سرمایه گذاری و تولید آثار فکری در سطح ملی است. اهمیت این موضوع تا بدانجا است که طبق برخی پیش بینی ها در آینده نزدیک صنعت تولید کالای فیزیکی جای خود را به صنعت تولید کالای فکری خواهد داد و ثروت و قدرت کشورها با سرانه تولید این گونه آثار سنجیده می شود.

از سوی دیگر به دلیل ماهیت خاص کالاهای فکری و وابستگی شدید توسعه آنها به حمایت های حقوقی یکی از شرایط لازم و اساسی جهت نیل به این هدف ایجاد بسترهای حقوقی و فراهم ساختن امنیت ها لازم حقوقی در این خصوص می باشد.

پیشینه تاریخی حمایت از مالکیت ادبی - هنری در حقوق موضوعه ایران (حقوق نوشته) زیاد نیست و تا اوایل قرن چهاردهم مقرراتی در این خصوص حقوقی وجود ندارد.

اولین قانون در این زمینه قانون مجازات عمومی مصوب 1310 است. که برخی از مواد آن به حقوق پدیدآورندگان اختصاص دارد در این مواد مجازاتی (برای تألیف تقلبی، اقتباس غیرمجاز انتشار غیر قانونی تألیف و به فروش رسانیدن یا در دسترس گذاردن این قبیل تألیفات) تعیین شده بود. به دنبال گسترش ارتباطات فرهنگی و لزوم حمایت از حق مؤلف در سال های 1334 ر 1336، 1338، طرح و لوایحه ای در این ارتباط تقدیم مجلس شورای ملی شد ولیکن به نتیجه ای ختم نشد و تصویب نگردید که این طرح در کمیسیون فرهنگی مجلس مختومه گردید.

در سال « 1346 وزارت فرهنگ و هنر لایحه حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان » را تهیه و به مجلس تقدیم کرد و در دی ماه 1348 به عنوان نخستین قانون مستقل در زمینه حمایت از حق مؤلف (حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری) به تصویب مجلس شورای ملی رسید. آئین نامه اجرایی این قانون نیز در 1350 به تصویب هیات وزیران رسید و در سال 1379 مورد بازنگری قرار گرفت.

با تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوت در 1352 گامهای مؤثر بعدی در تدوین قانون مستقل برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری صاحبان آثار بوده است.

پس از آن تصویب قانون حمایت از حقوق پدیدآوردندگان نرم افزارهای رایانه ای به سال 1379 تلاشی بود در راستای ایجاد بستر مناسب برای تولید محتوا و نرم افزارها تا با پیشگیری از تکثیر های غیر مجاز آثار رایانه ای حقوق تولید کنندگان محفوظ بماند و چرخه تولید در این حوزه نیز اقتصادی باشد.

همچنین در مواد 62 تا 66 قانون تجارت الکترونیکی ایران به بحث حمایت از حقوق مؤلفان در بستر مبادلات الکترونیکی و حمایت از اسرار تجاری و علائم تجاری اهتمام شد.

در عین حال تصویب قوانین و مقررات مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری نتوانست آن گونه که سرعت روزافزون توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیا ایجاد کرده بود پا به پای آن توسعه یابد. همواره حرکت کند تصویب قوانین در مقابل حرکت شتابنده توسعه فناوری های نوین چالشی اصلی در این زمینه بوده است.

گرچه در کشور ما بنیان های شرعی، حقوقی و اخلاقی این حق مورد بحث های عالمانه ای قرار گرفته است، ولی نتایج این مباح هر چه باشد لزوم رعایت قوانین و مقررات مصوب از سوی نهادهای قانونی راهکاری اصلی برای دستورالعمل های است که اداره نظام اجتماعی بر آن مبتنی است).

به همین جهت است که بیش از یکصد و سی سال از اولین جرعه های فکری تأسیس نهادی برای صیانت از مالکیت فکری می گذرد و عقلای جهان علاوه بر تصویب پیمان های بین المللی و قوانین و مقررات لازم از آن زمان تاکنون بیش از چهل سال قبل سازمان بین المللی با عنوان سازمان جهانی مالکیت فکری موسوم به وایپو WIPO تأسیس کردند تا اطمینان لازم برای پای بندی به این پیمانها و قوانین بین المللی را تضمین و تحصیل کنند.

کشور ما نیز در سال 1380 به کنوانسیون تأسیس این سازمان پیوسته است شاید بتوان گفت این یکی از مهمترین رخداد حقوقی در این زمینه است.

بر این اساس نهادی تخصصی و سیاستگذار با استناد به قوانین بالا دستی بر اساس وظایف قانونی خویش و با آگاهی از نقص قوانین فعلی و عدم وجود قانونی جامع در حوزه ی صیانت از مالکیت فکری و اذعان به رسالت ملی خود در این عرصه و تقاضای روزافزون صاحبان حقوق در صنوف مختلف، باید درصدد جبران این خلأ برآمده و آگاهان این عرصه را به یاری طلبید تا گام در راه تدوین لایحه و یا طرح قانونی حمایت از مالکیت فکری با تأکید بر آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط با آن بگذارند

(کشور ما با وجود داشتن سابقه بیش از 40 سال در زمینه قانونگذاری در حوزه مالکیت ادبی و هنری هنوز نتوانسته است به دلایل چندگانه بسترهای لازم حقوقی را به طور کامل مهیا سازد:

-وجود نقائص و ابهاماتی چند در قوانین فعلی؛-همگام نبودن آن قوانین با تحولات چند دهه

گذشته که عمدتاً ناشی از ورود فنآور یهای نوین در عرصه فعالیت های بشری بوده است؛ -

پراکندگی و عدم یکپارچگی در قوانین موجود مالکیت ادبی و هنری -. تاریخچه تدوین)

به همین خاطر مسئولین امر در چند سال گذشته درصدد بازنگری اساسی و اصلاح جدی قوانین

پیشین برآمدند و بر این اساس، نسخه اول پیش نویس لایحه ای با عنوان >> قانون جامع حقوق

مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط « در بین سالهای 83 تا 84 و 87 تا 89 در وزارت

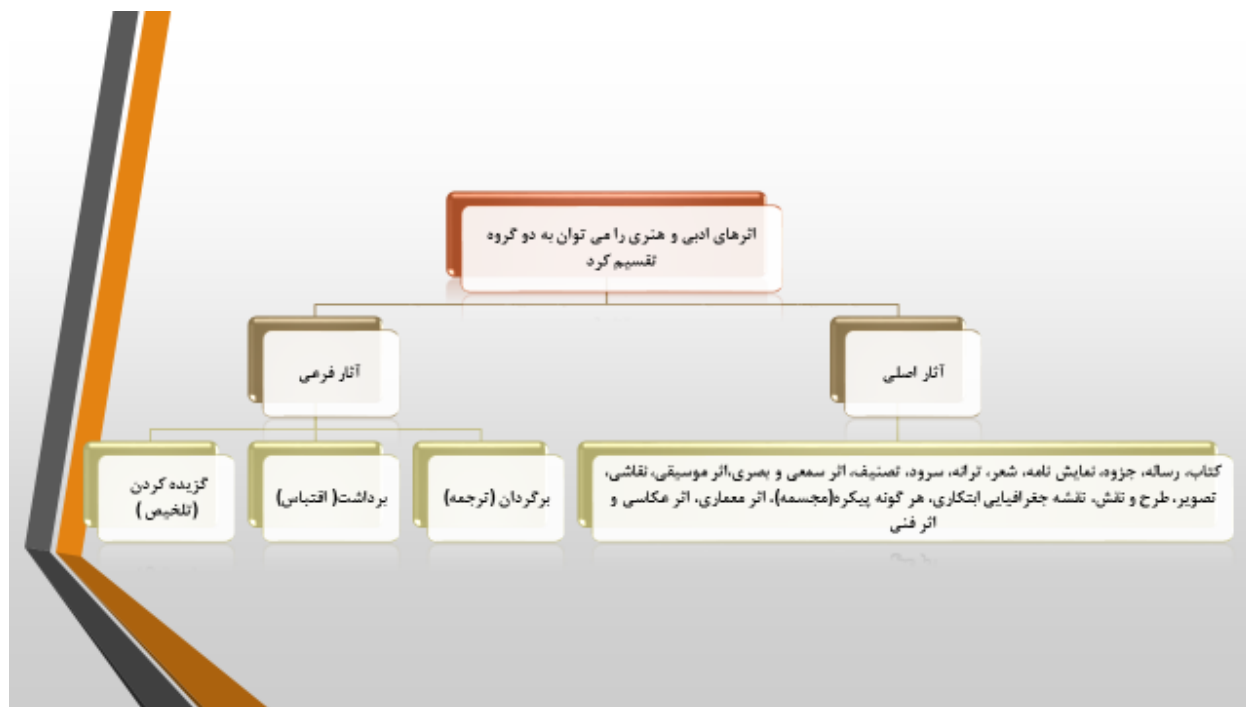
فرهنگی و ارشاد اسلامی آماده شد.

و در آخر پیش نویس قانون مذکور پس از یک دهه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به

دولت تقدیم و اوایل آبان 93 ازطرف دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.

لایحه جامع حمایت از حقوق مالیکت ادبی هنری و حقوق مرتبط تلاشی برای انطباق قوانین

مالکیت فکری در ایران با استاندارهای بین المللی و بومی سازی آنها بوده است.



آثار و اشخاص مورد حمایت در قوانین داخلی موجود

مبحث نخست: انواع آثار

آثار ادبی و هنری را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

اصلی: مقصود از آثار اصلی تولیدات مستقیم است

فرعی: آثار فرعی نیز به تولیداتی گفته می شود که با استفاده از آثار اصلی و بر اساس آنها باز آفرینی می شود.

1- آثار اصلی

با دقت در ماده « 2 قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان » در می یابیم که انواع مختلف آثار ادبی و هنری مورد حمایت این قانون قرار دارد. برای سهولت می توان این انواع گوناگون را به شرح زیر خلاصه کرد:

- کتاب، رساله، جزوه، نمایش نامه، شعر، ترانه، سرود، تصنیف، اثر سمعی و بصری، اثر موسیقی، نقاشی، تصویر، طرح و نقش، نقشه جغرافیایی ابتکاری، هر گونه پیکره (مجسمه)، اثر معماری، اثر عکاسی و اثر فنی

2- آثار فرعی

مقصود از آثار فرعی که آثار تبدیلی نیز نامیده شده اند، آثاری است که با استفاده از آثار اصلی و بر اساس آنها آفریده می شوند. این آثار بدین جهت مورد حمایت قرار می گیرند که آفرینش آنها مستلزم دانش تخصصی و تلاش توأم با خلاقیت است:

برگردان (ترجمه)، برداشت (اقتباس) و گزیده کردن (تلخیص) نمونه های رایج آثار فرعی است که به ترتیب بررسی می شوند.

- 2 - 1 برگردان (ترجمه)

ترجمه یک اثر از زبانی به زبان دیگر از برخی جهات آسان تر از آفرینش اثری

جدید نیست

مترجم به ویژه برای برگردان آثار علمی باید به مفاهیم و اصطلاحات آن شاخه علمی در هر دو زبان آشنایی و تسلط کامل داشته باشد و بتواند معادل واقعی هر واژه یا عبارت را با امانتداری و به صورتی گویا و قابل فهم در زبان دیگر پیدا کند و از این رو به مهارتهای ادبی هم نیازمند است.

در حقوق ایران >> ترجمه « به عنوان بخشی از حقوق مادی پدید آورنده اصلی که قابل انتقال به دیگران است، در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان اشاره شده است.

آنچه در این بند جدی میباشد لزوم اجازه گرفتن از پدید آورنده اصلی و ممنوعیت (ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر)

بدون رضایت اوست طبق ماده یک این قانون :حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه ای با مترجم یا وارث قانونی اوست و متخلفان از این ماده علاوه بر تأمین خسارات شاکی خصوصی به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد

بنابراین، آثار برگردانی که واجد شرایط لازم باشند از حمایت‌های قانونی برخوردارند. برای این منظور مترجم باید حقوق پدید آورنده اصلی را محترم شمرده و بدون اجازه او از برگردان و انتشار اثر وی خودداری کند.

- 2 - 2 برداشت (اقتباس)

اقتباس یا برداشت از آثار دیگران که ممکن است به صورت نقل قول، الهام گرفتن از یک کتاب برای نوشتن یک نمایش نامه یا ساختن فیلم یا به صورت‌های مشابه دیگر انجام شود، با رعایت حقوق پدید آورنده اصلی جایز است

3-2-3 گزیده ها (تلخیص)

مقصود از گزیده نویسی تلخیص اثر اصلی است. خلاصه کردن اثر در برخی موارد نیازمند تسلط فراوان بر متن و رشته تخصصی مربوط و ابتکار و ذوق خاص است. به عنوان مثال: می توان به مجموعه ای گلچین از اشعار یا داستانهای کوتاه اشاره نمود.



ویژگیها و شرایط اثر برای برخورداری از حمایت قانونی

حمایت قانونگذار از آثار مذکور بدون قید و شرط نیست؛ چه در نظام حقوق بین المللی و چه در نظامهای حقوق ملی شرایطی برای برخورداری از حقوق مالکیت‌های فکری وجود دارد

- 1 محسوس بودن شکل اثر (ظهور خارجی):

مسلماً افکار و اندیشه‌ها تا زمانی که از حالت یک امر ذهنی خارج نگردیده و در قالب یک امر عینی تجسم نیابند قابل حمایت نبوده و اساساً حمایت از اندیشه‌ای که در عالم خارج بروز ظهور نیافته باشد بی معناست.

بنابراین یکی از شرایط برخورداری داشته ها و خلاقیت‌های فکری از حمایت قانونی آن است که به نوعی پا به عرصه عینیت نهاده باشند.

محسوس بودن اثر متناسب با ماهیت آن است و اختصاصی به کتابت ندارد. برای مثال تدریس یا سخنرانی‌های علمی، موعظه ها و مواردی مانند آنر که به صورت شفاهی ارائه می شوند، حتی قبل از نوشتن آن توسط گویند، هر مشمول حمایت‌های قانونی است و نمی توان بدون اذن او اقدام به جمع آوری و انتشار آنها کرد.

- 2 اصیل و ابتکاری بودن اثر:

اصالت را شرط قطعی حمایت از آثار فکری دانسته اند.

بنابراین اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد به این معنا که مظهر منویات پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد. اما نو بودن اثر شرط نیست.

اصیل بودن اثر « که به معنای نتیجه فکر پدید آورنده است .

ابتکاری بودن اثر « که به معنای نو بودن و سابقه نداشتن اثر است .

مثلا: اگر دو نقاش یکی پس از دیگری از یک منظره تابلوهای مشابهی بکشند، بدون اینکه یکی از دیگری تقلید کند، اثر هر یک با توجه به اینکه انعکاسی از شخصیت پدید آورنده است، اصیل محسوب می شود؛ هرچند که تابلوی دوم نو نیست.

- 3 چاپ، پخش، نشر یا اجرا برای نخستین بار در ایران:

بیشتر قوانین ملی حمایت از آثار ادبی-هنری را مشروط به آن کرده اند که آن اثر برای نخستین بار در کشور متبوع منتشر و یا احتمالاً ثبت شده باشد است >> این یک اصل کاملاً شناخته شده است که حق مؤلف ماهیتاً جنبه سرزمینی دارد؛ یعنی حمایتی که به موجب قانون حق مؤلف اعطا شده فقط در قلمرو کشوری که آن قانون در آنجا اعمال می شود قابل حصول است. در هر صورت، مستفاد از ماده 22 >> «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» چنین است :

اولاً: این شرط تنها برای برخورداری از حقوق مادی است. حقوق معنوی پدیدآورندگان ایرانی و خارجی در هر حال باید رعایت شود؛

ثانیاً: اگر پدیدآورنده ایرانی، اثر خود را برای نخستین بار در کشوری غیر از ایران

>> چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا<< کرده باشد، از حمایت قانونگذار برخوردار نیست .

این محرومیت در مورد پدیدآورنده غیرایرانی به طریق اولی اعمال خواهد شد؛

ثالثاً: در صورتیکه تبعه بیگانه اثر خود را برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا

اجرا کند مورد حمایت قانون مذکور است.

- 4 مشروعیت اثر:

آثار فکری فقط در صورتی قابلیت حمایت را دارا هستند که از حیث شرعی خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشند.

مثلاً بر اساس احکام شرعی، یک فیلم مستهجن، یک شعر توهین آمیز، آثار فکری توهین آمیز و نظایر آن اثر قابل حمایت به شمار نمی آید. این شرط در قوانین مربوط به حق مؤلف مورد تصریح قرارنگرفته است

- 5 اعلان مشخصات

از آنجا که بررسی وجود شرایط برخورداری از حمایتهای قانونی یا فقدان شرایط برای همگان ممکن نیست پدید آورنده موظف است در این زمینه اطلاعات لازم را در اختیار مخاطبان قرار دهد.

معمولاً هر اعلان حق انحصاری اثر باید دارای سه خصوصیت زیر باشد:

یک - نشانه © C داخل یک دایره (یا واژه **copyright** یا واژه اختصاری **copy**)

دو - تاریخ انتشار اولیه اثر؛

سه - نام مالک حق انحصاری اثر یا کلمه اختصاری نام او به نحوی که از آن طریق بتوان به نام شخصیت صاحب اثر پی برد.

در خصوص حق انحصاری مربوط به ضبط موسیقی به جای نشانه علامت ©

علامت P (حرف P داخل یک دایره) استفاده می شود

P. حرف نخست واژه «Patent» به معنای دارای حق انحصاری است.

- 6 تشریفات ثبت

کنوانسیون برن با پذیرش >> اصل حمایت بدون تشریفات « اعلام کرده است که هیچ اقدامی، از جمله ثبت، را برای حمایت‌های خود لازم نمی داند (بند دوم ماده 5)

ثبت اثر در پاره ای از کشورها الزامی و در بسیاری از کشورها نیز رعایت تشریفات ثبتی

اجباری نیست. انگلیس، سوئیس، فرانسه و آمریکا از جمله این کشورها هستند؛ گرچه در کشور

اخیرالذکر اقامه دعوی در این زمینه منوط به ثبت اثر است

طبق قانون ایران نیز همین وضعیت در کشور حکمفرماست؛ ماده 21 قانون حمایت حقوق مؤلفان

و مصنفان و هنرمندان با استفاده از واژه «می توانند» به اختیاری بودن ثبت تأکید کرده است .

به رغم آنچه در باره اختیاری بودن ثبت برای برخورداری از حمایت‌های قانونی گفته شد بدیهی

است که نمی توان از مزایای ثبت به راحتی چشم پوشی کرد. لیکن به جهاتی که بیشتر به سود

پدید آورنده است، ثبت اثر ضروری می نماید

اولاً: عمل ثبت، اماره شناسایی مالک اثر است و در هنگامی که حقوق مادی و معنوی او در معرض تجاوز قرار می گیرد و مقام اثبات ادعای او در دادگاه مفید بوده و به اصطلاح اثر شکلی دارد.

ثانیاً: در مواردی ثبت و تودیع اثر می تواند مبنای انتشار اثر و مدت حمایت قانونی به حساب آمده و در استیفای حقوق مادی او مؤثر باشد.

ثبت در نظام حقوقی ایران به طریقه اعلامی است به این معنی که مرجع ثبت نسبت به اظهارات متقاضی ثبت و صحت و سقم پدیدآورندگی اثر تحقیق نمی نماید.

در برخی موارد واقعاً ممکن است که دو اثر مشابه توسط دو پدیدآورنده به وجود آمده باشد.

در این گونه موارد علاوه بر بار اثبات اصل تعلق اثر اثبات تقدم زمانی نیز دست کم از نظر حقوق معنوی پدیدآورنده دارای اهمیت است

ثبت را نباید تنها برای پدید آورندگان سودمند دانست. نظارت حاکمیت بر آثار تولیدی و نیز اطمینان خاطر ناشران آثار ادبی و هنری از همین راه تأمین می شود.

به همین دلایل است که اگر به انگیزه تقدیم حق خصوصی پدید آورندگان بر حق عمومیر ثبت رالزامی نمی دانند،

مبحث سوم: مدت حمایت

منظور از مدت حمایت، مدت زمانی است که اثر در قلمرو مالکیت خصوصی قرار دارد و حقوق مادی بر شمرده شده در انحصار پدید آورنده اثر یا انتقال گیرندگان و پس از مرگ نیز در اختیار وراثت یا موصی له می باشد و در صورت نقض این حقوق، دارندگان حق می توانند دعوای شخصی در خصوص مطالبه حقوق تضییع شده شان اقامه نمایند.

با انقضاء مدت حمایت، اثر هنری و ادبی در قلمرو عموم قرار می گیرد و حقوق فردی به نفع حقوق جامعه ساقط می شود و از این پس هر کسی می تواند بدون نیاز به کسب مجوز از آن استفاده نماید

بر اساس قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مدت استفاده از حقوق مادی پدید آورنده از تاریخ مرگ پدید آورنده سی سال است (به پنجاه سال اصلاح گردیده است) و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار خواهد گرفت.

در تاریخ 31 مرداد 1389 طرح اصلاح ماده 12 این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بعد از تایید شورای نگهبان به دولت ابلاغ شد .

در این طرح، مدت حمایت آثار از 30 سال به 50 سال پس از مرگ پدیدآورنده افزایش یافت

فصل چهارم

مطبوعات رکن چهارم دموکراسی

(قانون اساسی، پارلمان، احزاب)

رکن چهارم دموکراسی (حکومت) مطبوعات آزاد است که نقش بسیار مهم اطلاع رسانی، آموزش، فرهنگسازی، احساس تعلق اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر و به روز کردن و یا به روزآمد نمودن دانسته ها و اطلاعات عمومی و مردمی و فرهنگسازی عمومی در ابعاد سیاسی و اجتماعی و غیره و جهت دهی و تنویر افکار عمومی را به عهده دارند.

به خصوص در جوامعی که احزاب سیاسی وجود نداشته و فعالیت احزاب سیاسی تعطیل باشد فی المثل در مقاطعی از تاریخ ایران مطبوعات نقش احزاب سیاسی و وظیفه و رسالت آنان را نیز به عهده می گرفتند.

مطبوعات از با نفوذترین وسیله های انتقال ارزشها « در دنیا هستند و معرفی کننده، الگوی نقشها، دیدگاهها و چگونگی روی آوردن به ارزشهای فرهنگی میباشند و در ساختن جامعه نقشی حیاتی دارند به همین سبب به یکی از جنجالی ترین موضوعات مورد بحث و انتقاد در دنیا تبدیل شده است.

• بطور کلی و عام:

نشریاتی که بطور منظم با نام ثابت، تاریخ و شماره و ردیف در زمینه های گوناگون خبری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره منتشر می شوند "را مطبوعات گویند

مفهوم آزادی مطبوعات:

در معنای خاص یعنی نشر آزاد روزنامه ها، نشریات، جراید و امثال اینها بدون هیچ گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار و همچنین مصونیت از توقیف یا تعطیلی خودسرانه بعد از انتشار. یعنی از یک سو نباید قبل از انتشار هیچ محدودیت، فشار یا نظارتی روی نشریه باشد و یک نشریه بتواند آزادانه اقدام به انتشار افکار مورد نظرش کند و از سویی دیگر بعد از انتشار هم بایستی از تهدید یا اقدام به توقیف و تعطیلی مصون باشد. این دو قسمت مفهوم آزادی مطبوعات را شکل میدهند.

نظام انتشار مطبوعات

با یک نگاه تاریخی و تطبیقی به وضعیت انتشار مطبوعات در کشورهای مختلف چهار نوع نظام برای انتشار قابل شناسایی است که عبارتند:

1. نظام انتشار آزاد

2. نظام انتشار بر اساس اعلام نامه

3. نظام انتشار با ثبت

4. نظام انتشار با اخذ مجوز

که بر اساس فضاهای مختلف سیاسی و فرهنگی هر نظام سیاسی متفاوت است که به شرح هر یک میپردازیم.

1 - نظام انتشار آزاد:

در برخی از کشورها انتشار نشریه نیاز به مجوز قبلی یا اعلام به مقامات دولتی ندارد.

این کشورها حق برخورداری از آزادی مطبوعات در زمره حقوق طبیعی یا حقوق اساسی محسوب میشود

و عقیده بر آن است، کسی که در مقام استیفاء و اعمال حقوق خود بر می آید نیاز به اخذ اجازه

قبلی از دیگری ندارد ولی اگر در مقام اعمال حق خود بخواهد به حقوق دیگران تجاوز کند با او

برخورد خواهد شد . به همین دلیل کافی است منتشر کننده نشریه مشخصات خود و نشریه اش را در رسانه یا نشریه به نحوی منعکس کند تا در صورت لزوم و تجاوز به حقوق عمومی قابل تعقیب باشد

. از جمله طرفداران این نظریه میتواند کشورهای امریکا و سوئد اشاره کرد.

- 2 نظام انتشار بر اساس اعلام نامه :

در قوانین برخی کشورها برای انتشار مطبوعات لازم است که موضوع به مقامات حکومت اعلام گردد.

موسس باید ابتدا قصد خود را مبنی بر انتشار نشریه به همراه مشخصات آن به مقامات دولتی که معمولاً مقام قضایی هستند اعلام کند، ولی برای انتشار نشریه منتظر اعلام نظر مقامات مسئول باقی نمی ماند

مقامات حکومت موظف هستند اعلام نامه موسس را بررسی کنند و چنانچه آن را مغایر با حقوق عمومی یا خصوصی دیگران دیدند موضوع را به موسس اطلاع دهند موسس یا در وضعیت انتشار خود تغییرات و اصلاحات مورد نظر مقامات حکومتی را لحاظ میکند یا با آن مخالفت میکند در صورت مخالفت موضوع در مراجع قضایی مطرح شده و نظر مذکور قاطع دعوا خواهد بود . از جمله کشورهای تابع این روش میتوان به فرانسه ، مراکش ، تونس ، الجزایر و موریتانی اشاره کرد.

- 3 نظام انتشار با ثبت:

بر اساس این نظام که اکنون بیشتر کشورهای جهان از آن طبیعت میکنند متقاضی انتشار نشریه باید در درخواستی مشتمل بر برخی اطلاعات نظیر مشخصات متقاضی، عنوان، زبان، محل انتشار نشریه، اهداف و برنامه ها، دوره انتشار، حداکثر حجم قابل پیش بینی برای نشریه و منابع مالی برای نشریه به یک مرجع دولتی که قانون جهت ثبت نشریات تعیین کرده است تقدیم کند، مرجع مذکور پس از بررسی درخواست ثبت در صورت عدم مشاهده ایراد قانونی اقدام به ثبت نشریه نموده و گواهی مربوطه را به متقاضی ارائه میدهد

از این تاریخ دارنده گواهی ثبت حق انتشار نشریه را خواهد داشت ولی چنانچه مفاد تقاضا نامه را مغایر با حقوق و آزادیهای رسانه ای بداند یا قبلا نشریه ای با آن نام ثبت شده یا در حال ثبت شدن باشد تقاضا را رد میکند

. کشورهای ازبکستان ، قرقیزستان و اکراین تابع این نظام هستند.

- 4نظام انتشار با اخذ مجوز:

در برخی از کشورها همانند کشور ما انتشار نشریه به اخذ مجوز از مقامات دولتی نیاز دارد و تا پیش از صدور مجوز انتشار نشریه ممنوع بوده و جرم شناخته میشود.

نظام انتشار مطبوعات در ایران در ماده 7 قانون مطبوعات سریعاً نظام انتشار با اخذ مجوز پذیرفته شده است. به موجب این ماده انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است و چنانچه نشریه ای بدون اخذ مجوز منتشر شود از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی است.

ممکن است از این ماده استنباط شود که هدف قانون گذار از چنین حکمی صرفاً محروم کردن مطبوعات بدون مجوز از تسهیلات دولتی مربوط به مطبوعات و تنظیمات رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است ولی ماده 7 قانون مطبوعات صریحاً چاپ و انتشار نشریه ای را که پروانه برای آن صادر نشده یا پروانه آن لغو شده یا به دستور دادگاه بطور موقت یا دائم تعطیل گردیده ممنوع و جرم شناخته است. هر چند این ماده برای انتشار نشریه بدون مجوز مجازاتی پیش بینی نشده است ولی به استناد حکم کلی ماده 35 قانون مطبوعات دادگاه میتواند مرتکب را به جزای نقدی از یک میلیون تا 20 میلیون ریال محکوم کند.

شرایط متقاضی اخذ امتیاز روزنامه

اشخاص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی میتوانند موسس یا متقاضی یک نشریه باشند (تا پیش از اصلاحات 1379 در قانون مطبوعات ایران صرفاً از شرایط اشخاص حقیقی متقاضی پروانه انتشار صحبت شده بود و در مورد شرایط اشخاص حقوقی متن قانونی خاصی وجود نداشت

ولی در این سال این نقیصه بر طرف شد و اشخاص حقوقی متقاضی انتشار نشریه نیز دارای این حق شدند که اکنون شرایط هر دو دسته را به تفصیل بررسی می کنیم).

- 1 شرایط اشخاص حقیقی:

طبق بند الف ماده 9 قانون مطبوعات شخص حقیقی متقاضی امتیاز نشریه باید علاوه بر داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزوی و پایبند بودن به قانون اساسی شرایط زیر را نیز دارا باشد

بند : 1 تابعیت ایران:

بند : 2 دارا بودن حد اقل 25 سال سن:

بند : 3 عدم حجر (شخصی که فاقد اهلیت باشد).

بند : 4 عدم ورشکستگی به تقلب یا تقصیر:

بند : 5 عدم اشتهار (مشهور بودن) به فساد اخلاق:

بند : 6 عدم سابقه محکومیت کیفری که موجب صلب حقوق اجتماعی باشد:

بند : 7 داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزوی به

تشخیص هیئت نظارت بر مطبوعات

بند : 8 پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.

بند : 1 تابعیت ایران :

ماده 976 قانون مدنی اتباع ایران را به شرح ذیل بر شمرده است : کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد (تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدار تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.)

- 1 کسانی که پدر آنها ایرانی استر اعم از اینکه در ایران و خارج باشند.

- 2 کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد.

- 3 کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران بدنیا آمده بوجود آمده باشد.

- 4 کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و پس از رسیدن به سن 18 سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

- 5 هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران می شود.

- 6 هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره : اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره 4 و 5 نخواهند بود.
با توجه به قانون مطبوعات افراد خارجی و افراد بدون تابعیت نمی توانند متقاضی انتشار نشریه در ایران باشند

. اما ماده 8 قانون مطبوعات اعلام کرده است مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی در چهار چوب قوانین مربوط به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارت خانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور خارجه اجازه انتشار دارد.

بند : 2 دارا بودن حد اقل 25 سال سن :

طبق اصول حقوقی و تسریع قانون مدنی هر شخص دارای اهلیت تصرف میتواند در خصوص همه امور مالی و غیر مالی زندگی خود شخصا تصمیم بگیرد و در قبال نتایج اعمال و اقدامات و تصمیمات خود نیز مسئول خواهد بود.

بنابر این هر شخصی به محض دارا شدن اهلیت تصرف یا استیفا (به کار بردن حق)

(نه تمتع) میتواند وارد زندگی اجتماعی شده و حقوق فردی و اجتماعی خود را اعمال کند که سن آن در هر جامعه ای متفاوت است. در خصوص بعضی از مشاغل به دلیل بالا بودن حساسیت

آنها تصدی به آن شغل نیازمند داشتن سن و تجربه ای بیش از سن اهلیت قانونی می باشد .

قضاوت وکالت نمایندگی مجلس و برخی سمتهای دیگر چنین وضعیتی دارند .

قانون مطبوعات ایران نیز در سال 1364 شرط سن 25 سال را بدلیل حساسیت تصدی به شغل

انتشار نشریه از جمله شرایط اساسی قرار داد.

بند : 3 عدم حجر (شخصی که فاقد اهلیت باشد).

این شخص محجور نامیده می شود . در واقع منظور از شخص دارای اهلیت (اهلیت استیفا)

شخصی است که عاقل و بالغ و رشید باشد .به عبارت دیگر صغیر، مجنون یا سفیه نباشد

طبق قانون سن 15 و 9 سالگی را سن اهلیت گویند و شخص می تواند در خصوص همه امور

مالی و غیر مالی زندگی خودشخصا تصمیم بگیرد و در قبال نتایج اعمال و اقدامات خویش نیز

مسئول است.

اهلیت (در اشخاص حقیقی) به دو صورت است:

1. اهلیت تمتع

: آن دسته از حقوقی که از زمان جنین بودن به شخص تعلق می گیرد و خود به خود به

شخص می رسد.

2. اهلیت استیفاء :

حق استفاده و بهره برداری از حقوق و اختیارات شخصی که فاقد اهلیت باشد محجور نامیده می شود.

عاقل کسی است که مجنون نباشد. همچنین رشید کسی است که لزوما دیوانه نیست ولی باید این قابلیت را داشته باشد که در امور دخل و تصرف صحیح داشته باشد.

گاهی بعضی افراد که بالغ، عاقل و رشید هم هستند به دلیل ممنوعیت از پرداختن به اعمال خاص محجور می نامند، مثل تاجر ورشکسته، از انجام دادن برخی معاملات ممنوع است.

اعاده حیثیت

: اخذ گواهی است که شخص را به زندگی عادی باز می گرداند .

اعاده اعتبار

: اخذ گواهی است که شخص را مجدد معتبر می نماید

ادعای اعسار.

: ادعای ناتوانی فرد را گویند.

بند : 4 عدم ورشکستگی به تقلب یا تقصیر:

ورشکسته حالت تاجری است که از پرداخت دیون خود عاجز است . تاجر متوقف باید ظرف سه روز از تاریخ وقفه در اداء کردن قرضها یا سایر تعهدات نقدی خود مراتب را طی دادخواستی به دادگاه محل اقامت خود اعلام کند . همچنین طلبکاران تاجر میتوانند با دادن دادخواست از دادگاه اعلام توقف یا ورشکستگی تاجر را درخواست نمایند و دادگاه با بررسی مدارک و مستندات با حکم به ورشکستگی عادی یا ورشکستگی به تقلب یا ورشکستگی تقصیر می داند.

با تاجر ورشکسته عادی با ارفاق برخورد می شود و مجازاتی برای او پیش بینی نشده اما مجازاتها و دلایل انتصاب تقلب یا تقصیر در مواد 541 و 542 و 549 قانون تجارت پیش بینی شده است . علت ذکر لزوم ورشکسته نبودن شخص متقاضی نشریه این است که تاجر ورشکسته به تقلب یا

تقصیر در زمان ورشکستگی در حبس بسر می برد و نمی تواند به تمشیت (رسیدگی) امور

نشریه پردازد

• همچنین بار مالی نشریه بدوش متقاضی است در حالی که تاجر ورشکسته از دخالت در امور مالی خود منع شده است .

بعد از اعاده حیثیت تاجر ورشکسته می تواند طبق مقررات به زندگی حقوقی عادی خود برگردد.

بند : 5 عدم اشتهار (مشهور بودن) به فساد اخلاق:

لازم نیست که متقاضی نشریه از حسن شهرت برخوردار باشد بلکه تنها عدم اشتهار به فساد اخلاقی کفایت می کند . البته برای احراز عدم سوء شهرت مرجع رسمی خاصی در قوانین پیش بینی نشده است ولی عرفاً این مسئله به نظر همنشینان و همسایگان و همکاران بر می گردد.

بند : 6 عدم سابقه محکومیت کیفری که موجب صلب حقوق اجتماعی باشد:

سابقه محکومیت کیفری که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می گردد به دو صورت پیش می آید:

1 - طبق ماده 19 قانون مجازات اسلامی دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است ، به عنوان تتمیم مجازات مدتی از حقوق اجتماعی محروم نماید

2 - محکومیت قطعی به برخی از جرایم عمدی که طبق ماده 62 مکرر قانون مجازات اسلامی محکوم را از برخی حقوق اجتماعی محروم می کند و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد.

بند : 7 داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزوی به

تشخیص هیئت نظارت بر مطبوعات

بند : 8 پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.

2 - شرایط اشخاص حقوقی متقاضی انتشار نشریه

: بند ب ماده 9 قانون مطبوعات شرایط اشخاص حقوقی را چنین احصاء نموده است.

1) مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد . یعنی شخص طبق قانون دارای شخصیت حقوقی باشد (زیرا طبق ماده 57 قانون تجارت اشخاص حقوقی ، حقوق عمومی مثل ادارات ، نهادها ، سازمانها ، به محض ایجاد و بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی میشوند و ایجاد این اشخاص هم عمدتاً باتصویب قانون یا تصویب نامه هیات وزیران صورت می گیرد) تنها اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی ملزم به ثبت هستند البته در این خصوص نیز باید قایل به تفکیک شد شرکتهای تجاری حتی اگر به ثبت هم برسند تاثیری در ایجاد شرکت ندارد ولی موسسات و تشکیلاتی که برای مقاصد غیر تجاری تشکیل میشوند، از تاریخ ثبت شخصیت حقوقی شان شکل می گیرد.

2. در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشند ، اصولاً همه اشخاص حقوقی ر دارای اساسنامه هستند.

اساسنامه یک شخص حقوقی مانند سند اهلیت آن شخص است و هر زمان که در خصوص اهلیت یا عدم اهلیت یک شخص حقوقی نسبت به امری تردید پیش آید باید به اساس نامه آن مراجعه شود

. در اساس نامه مواردی از قبیل موضوع ، تابعیت ، محل اقامت ، صاحب امضاء ، هیات مدیره و ...

درج میگردد

. دولت طبق ماده واحده قانون ممنوعیت وزارت خانه ها ، موسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و

انتشار نشریات غیر ضروری محدودیت بسیاری در انتشار نشریه دارد و طبق تبصره پنج همان

قانون هر گونه هزینه و... از این قانون در حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی است.

3. زمینه فعالیت نشریه با زمینه فعالیت شخص حقوقی مرتبط باشد.

4. محدوده انتشار نشریه همان محدوده جغرافیایی شخص حقوقی باشد . بدیهی است

تابعیت ایرانی نیز یکی از شرایط اشخاص حقوقی است

هیات نظارت بر مطبوعات

براساس ماده هفت قانون مطبوعات نظام انتشار با اخذ مجوز را پذیرفته است و تشخیص صلاحیت

متقاضی نشریه بر عهده هیات نظارت بر مطبوعات است

. هیات نظارت بر مطبوعات از هفت عضو تشکیل شده است که ماده 10 قانون مطبوعات چهار

شرط را برای عضویت در این هیات ضروری دانسته

1. مسلمان بودن - 2 داشتن صلاحیت علمی لازم - 3 داشتن صلاحیت اخلاقی لازم 4

-مومن بودن به انقلاب اسلامی

اعضای هیات به این شرح می باشند:

1. یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه.
2. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی
3. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس
4. یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر علوم
5. یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب خود آنان (مطبوعات).
6. یکی از اساتید حوزه علمیه قم به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم
7. یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.

این هیات برای مدت دو سال و به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل میشود. وزیر ارشاد ریاست هیات را بر عهده دارد و دبیرخانه هیات نیز در وزارتخانه مزبور مستقر است

نظام انتشار مطبوعات در ایران

در ماده 7 قانون مطبوعات سریعاً نظام انتشار با اخذ مجوز پذیرفته شده است. به موجب این ماده انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است و چنانچه نشریه ای بدون اخذ مجوز منتشر شود از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی است

. ممکن است از این ماده استنباط شود که هدف قانون گذار از چنین حکمی صرفاً محروم کردن مطبوعات بدون مجوز از تسهیلات دولتی مربوط به مطبوعات و تنظیمات رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است ولی ماده 7 قانون مطبوعات صریحاً چاپ و انتشار نشریه ای را که پروانه برای آن صادر نشده یا پروانه آن لغو شده یا به دستور دادگاه بطور موقت یا دائم تعطیل گردیده ممنوع و جرم شناخته است

. هر چند این ماده برای انتشار نشریه بدون مجوز مجازاتی پیش بینی نشده است ولی به استناد حکم کلی ماده 35 قانون مطبوعات دادگاه میتواند مرتکب را به جزای نقدی از یک میلیون تا 20 میلیون ریال محکوم کند.

حدود مطبوعات

مطابق ماده 6 قانون مطبوعات نشریات جزء در موارد اخلال در مبانی و احکام اسلام و اخلال نسبت به حقوق عمومی و حقوق خصوصی، آزادند.

1. اخلال در مبانی اسلامی

2. اخلال نسبت به حقوق عمومی

3. اخلال نسبت به حقوق خصوصی

مصادیق این محدودیت ها که در ذیل همین ماده ذکر شده عبارت است:

- 1- نشر مطالب ضد دین و کفر آمیز (الحادی) و مخالف با مبانی اسلامی و ترویج مطالبی که بر اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می آورد.
- 2- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس ها و تصویر و مطالب خلاف عفت عمومی
- 3- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر
- 4- ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه به ویژه طرح مسائل نژادی و قومی
- 5- تحریک و تشویق افراد و گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت حی و منافع جمهوری اسلامی در خارج و داخل
- 6- افشاش نمودن و انتشار اسناد و دستورات و مسائل محرمانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مورد نقشه و استحکامات نظامی انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی
- 7- آهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن همچنین به مقام معظم رهبری و مراجع تقلید.
- 8- افترا (انتساب جرم) به مقامات، نهاد ها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به افراد حقوقی و حقیقی که حرمت شرعی دارند اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.
- 9- سرقت های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه های منحرف با اسلام (داخلی یا خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد.

10 - استفاده ابزاری از افراد از تصاویر و محتوا و تحقیر و توهین به جنس زن و تبلیغ تشریفات و تجملات غیر قانونی.

11 - پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

12 - انتشار مطالب علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

جرائم مندرج در قانون مطبوعات

1* توهین مطبوعاتی

2* - نشر اکاذیب

3* - سرقت ادبی

4* - تقلید نام یا علامت نشریه دیگر

5* - تهدید بوسیله مطبوعات و-افشای اسرار اشخاص

1* - توهین مطبوعاتی

تعریف توهین در قانون مطبوعات: توهین در جزا عبارت است از:

کوچک کردن کسی از طریق کلمات یا اعمالی که موجب سوء ادب شخص تلقی می شود توهین غالباً به وسیله الفاظ و گفتار و حرکات رکیک واقع میشود از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک توهین برخواسته از غضب و ناراحتی است راست یا دروغ بودن توهین شرط نیست همینکه الفاظ رکیک بکار برده شود قابل مجازات است

در قانون مطبوعات جرم توهین نسبت به هر شخصی یا هر چیزی که نسبت به آن وهن آور باشد ممکن است صورت بگیرد. مثلاً:

1* اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن

2* - اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

3* - توهین به اشخاص از طریق انتشار مطالب توهین آمیز

4* - توهین به شخص مرده در صورتی که عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید

5* - استفاده ابزاری از افراد اعم از زن و مرد در تصاویر و محتوا و تحقیر و توهین به جنس زن.

مجازات این توهین های مطبوعاتی در خود قانون مطبوعات به صراحت ذکر نشده است لکن

مطابق تبصره (2) ماده 6 قانون مطبوعات متخلف از این امور براساس مجازات مقرر در ماده

698 قانون مجازات اسلامی خواهد بود

که عنوان این ماده در مورد نشر اکاذیب می باشد (نکته: از این نوع توهین ها فقط توهین به اشخاص غیرمسئول و توهین به مرده قابل گذشت است و در سایر جرائم دیگر غیر قابل گذشت است).

- 2نشر اکاذیب:

حرفی که به دروغ نسبت به کسی نشر پیدا کرده باشد (این جرم قابل گذشت است).
افترا (تهمت :)انتساب جرمی به یک فرد را افترا گویند .افترا چه مطبوعاتی و چه غیر مطبوعاتی باشد مطابق با ماده 697 قانون مجازات اسلامی مجازات خواهد شد .که در هر مرحله قابل گذشت است.

رابطه افترا با نشر اکاذیب:

هر چند که وجه مشترک افترا با نشر اکاذیب در هتک حرمت اشخاص است، ولی هر اشاعه اکاذیبی افترا نیست .به دلیل آن که در تحقق افترا لازم است که اتهام نسبت داده شده قبلاً از طرف قانون گذار به عنوان جرم و با قید مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی توصیف و اعلام شده باشد، در حالی که اشاعه اکاذیب اعم از افترا است و شامل نسبت دادن هرگونه خبر کذبی به ضرر اشخاص و مقامات رسمی و دولتی می شود.

- 3 سرقت ادبی:

(سرقت یعنی: ربودن مال به صورت پنهانی) این جرم جزء جرائم قابل گذشت است.

سرقت ادبی یعنی: ربودن اثر یا ارزش معنوی فرد یا افراد دیگر از طریق مطبوعات.

طبق بند 9 ماده 6 قانون مطبوعات ر این مصداق جرم شناخته شده است و بدین صورت است که شخص عمداً تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران را به خود یا به غیر ولو به صورت ترجمه باشد، انتساب می دهد.

مجازات سرقت ادبی نیز همان مجازات ماده 698 قانون مجازات اسلامی می باشد. در صورتی که این نوع سرقت ادبی در خارج از قانون مطبوعات باشد مطابق قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنر مندان، فرد مجازات خواهد شد.

- 4 تقلید نام یا علامت نشریه دیگر:

(این جرم جزء جرائم قابل گذشت است.)

در حال حاضر مطابق ماده 33 قانون مطبوعات این موضوع جرم بوده و چنین مقرر می دارد که هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری و لو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد از انتشار نشریه باید جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری (از 61 روز تا 3 ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال) محکوم خواهد شد.

5* تهدید بوسیله مطبوعات و-افشای اسرار اشخاص تهدید دو نوع است:

1- تهدید حیثیتی

2- تهدید مادی روی فرد

در ماده 31 قانون مطبوعات مقرر شده که : انتشار مطالب که مشتمل بر تهدید هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسناد شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

مطابق این ماده ر تهدید می تواند حی یتی یا آبرویی و یا تهدید نسبت به افشای اسرار شخصی باشد.

یا این که تهدید می تواند غیر از اینها باشد در هر صورت قانون مطبوعات فقط تهدید حی یتی یا آبرویی یا تهدید نسبت به افشای اسرار را ذکر نموده است ولی ذکری از مجازات آن در خود قانون مطبوعات به عمل نیاورده است مجازات همه مصادیق آن مطابق ماده 669 قانون مجازات اسلامی از 2 ماه تا 2 سال حبس و 74 ضربه شلاق خواهد بود.

نکته:

اولا: در تهدید نیازی نیست که آنچه که منظور نظر تهدید کننده باشد تحقق پیدا کند. به صرف

گفتن یا نوشتن مبنی بر کلمه تهدید آمیز کفایت می کند

ثانیا: دروغ یا راست بودن تهدید در ماهیت جرم تهدید تاثیری ندارد.

ثالثا: نیازی به اثر کردن تهدید نسبت به فرد تهدید شونده نیست.

افشای اسرار اشخاص:

جرم افشای اسرار اشخاص می تواند از طریق مطبوعات و غیر مطبوعات نیز صورت گیرد

اگر از طریق مطبوعات، باشد قانون گذار در قانون مطبوعات مجازات این جرم را مشخص نموده

است و حتی در قانون مطبوعات به طور مستقل چنین عنوان مجرمانه ای وجود ندارد لکن چون با

توجه به مطالبی که در گذشته گفتیم از طریق مطبوعات امکان تحقق این جرم است،

مطابق ماده 648 قانون مجازات اسلامی برای آن حبس از 3 ماه و یک روز تا یک سال یا به یک

میلیون و پانصد هزار ریال تا 6 میلیون ریال مجازات برای آن در نظر گرفته شده است.

فصل پنجم

انواع دادگاه ها در ایران

دادگاههای عمومی معمولاً بعد از وقوع اختلاف و زمان مراجعه به دادگاه سر و کار ما به دادگاههای عمومی میافتد.

اکنون حداقل یک شعبه از دادگاههای عمومی در همه دادگستری ها وجود دارد که در شهرهای بزرگتر تعداد این شعبه ها بیشتر است .

دادگاههای عمومی حق رسیدگی به همه دعاوی و اختلافات را دارند به جز آنچه مطابق قانون در صلاحیت مراجع اختصاصی دیگر است .انواع دادگاههای عمومی که ما با آنها سر و کار داریم به این شرح هستند:

- 1 دادگاه عمومی حقوقی

:این دادگاه به اختلافات حقوقی ملکی یا ارثی در دادگاههای عمومی با حضور رییس شعبه یا دادرس علیالبدل رسیدگی میشود .بنابراین در دادگاه عمومی قاعده وحدت قاضی حکمفرماست و تمامی اقدامات و تحقیقات به وسیله رییس یا دادرس علیالبدل انجام میشود و تصمیمگیری قضایی و انشای رای با قاضی دادگاه است.

2* دادگاه عمومی جزایی :

به بیشتر جرایم در مرحله نخستین در دادگاه عمومی جزایی رسیدگی میشود.

این دادگاه علاوه بر رییس دادگاه یا دادرس علی البدل با حضور نماینده دادستان تشکیل میشود

. قلمرو دادگاههای عمومی (حقوقی و کیفری) قسمتی از خاک ایران است که با رعایت ضوابط و

مقررات تقسیمات کشوری بر این واحد از تقسیمات کشوری یعنی بخش یا شهرستان منطبق

میشود

- - 3 . دادگاه خانواده

: این دادگاه با حضور رییس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن تشکیل میشود و به دعاوی

راجع به خانواده رسیدگی میکند .

رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی

مدنی انجام میشود

- - 4 . دادگاه اطفال :

در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به

جرایم اطفال اختصاص داده میشود . منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده

است . با وجود این به جرایم اشخاص بالغ کمتر از 18 سال نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات

عمومی رسیدگی میشود.

- - 5 دادگاه کیفری استان :

در مرکز هر استان بر حسب نیاز شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر به « دادگاه کیفری استان » اختصاص می یابد و تعداد شعب آن به تشخیص رییس قوه قضائیه است .

این دادگاه جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس، اعدام، رجم، صلب یا حبس ابد باشد با پنج قاضی رسیدگی میکند

- 6 . دادگاههای تجدیدنظر

بعد از صدور رأی در نخستین مرحله دادگاه معمولاً کسی که به وسیله حکم دادگاه محکوم شده است دل به تجدیدنظرخواهی میندود تا شاید در این مرحله از رسیدگی پیروز دعوا شود . رسیدگی به دعاوی در کشور ما در دو مرحله انجام میشود .مراجع قضایی نخستین را بیان کردیم اما دادگاههای دیگری هم هستند که به تقاضای تجدیدنظرخواهی رسیدگی میکنند

.الف - دادگاههای تجدیدنظر استان :

این دادگاه در مرکز هر استان تشکیل میشود و دارای یک رییس و دو عضو مستشار است .این دادگاه به آرای قابل تجدیدنظر صادره از دادگاههای عمومی مستقر در حوزه آن استان رسیدگی میکند

ب. دیوانعالی کشور:

بخشی از وظایف دیوانعالی کشور مربوط به تجدیدنظرخواهی از برخی آرای کیفری است. این مرجع قضایی عالی همچنین در موارد قانونی به صدور وحدت رویه قضایی مبادرت می کند که این آراء در حکم قانون است و برای تمامی مراجع قضایی لازم الاجراست. البته دیوانعالی کشور به عنوان عالیترین مرجع قضایی وظایف دیگری نیز دارد

شوراهای حل اختلاف :

شوراهای حل اختلاف برای افزایش سرعت رسیدگی به پرونده ها به وجود آمده اند . درخصوص بسیاری از دعاوی کوچک حقوقی و مدنی صلاحیت رسیدگی دارند و امروزه بسیاری از ما برای حل مشکلاتمان به آنها مراجعه می کنیم . معمولاً در بررسی دادگاهها از شوراهای حل اختلاف سخنی به میان نمیآید و این مراجع به عنوان یک دسته خاص بررسی میشوند.

مراجع اختصاصی دادگستری علاوه بر دادگاههای عمومی که قاعدتاً به همه جرایم رسیدگی میکنند گاهی مجبور میشویم که برای اقامه یک دعوی خاص به یک دادگاه خاص مراجعه کنیم . دادگاههای اختصاصی به دعاوی خاصی رسیدگی میکنند که ما باید نسبت به آنها آگاهی داشته

باشیم

برعکس مراجع عمومی، مراجع اختصاصی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به هیچ
دعوایی را ندارند به جز آنچه را که قانون رسیدگی به آن را به صراحت در صلاحیت این مراجع
قرار داده است. این مراجع به شرح زیر هستند

1- دادگاه های نظامی رسیدگی به جرایم نظامی و یا نظامیان نیازمند آن است که قضات این
محاکم در این خصوص دارای اطلاعات لازم باشند و این جرایم باید با آیین دادرسی ویژه‌های مورد
رسیدگی قرار گیرد. در حال حاضر نیز دادگاههای نظامی در ایران رسیدگی به جرایم زیر را عهده
دار بوده و به دادگاه نظامی یک و دو تقسیم
میشوند:

- جرایم همه کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته به آن - . جرایم همه
کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی.

- جرایم همه کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته به آن
- . جرایم همه کارکنان وظیفه از تاریخ شروع به خدمت تا پایان - . جرایم همه کارکنان مشمول
قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1369 / 4 / 27 ،

-محصلان مراکز نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و
پشتیبانی نیروهای مسلح .

-جرایم همه کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باشند.

-2دادگاه های انقلاب

:دادگاه انقلاب اسلامی در تاریخ 5 اسفند 1357 با حکم امام خمینی (ره) تشکیل شد.

سپس بعد از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از دادگاههای دادگستری جمهوری اسلامی درآمد .

دادگاه انقلاب در مراکز استانها و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضاییه تشخیص دهد، تشکیل میشود و در موارد زیر صلاحیت رسیدگی خواهد داشت

- :همه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه و افساد فی الارض

- . توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.

- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام .

-جاسوسی به نفع اجانب

- . همه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر

- .دعاوی مربوط به اصل 499 قانون اساسی .

3- دادگاه های انتظامی قضات

دادسرای انتظامی قضات در سال 1331 به موجب لایحه قانونی سازمان دادسرای انتظامی قضات تاسیس شد. دادستان انتظامی در راس دادسرای انتظامی قضات قرار دارد و این دادسرا به تعداد لازم معاون و دادیار و کارمند اداری خواهد داشت . پایه دادستان انتظامی قضات کمتر از 10 نخواهد بود و باید وی دست کم دارای 45 سال سن و 200 سال پیشینه خدمت قضایی باشد و در دوره 10 ساله پایان خدمت ، محکومیت انتظامی از نوع درجه چهار به بالا نداشته باشد

4- دیوان عدالت اداری در اجرای اصل 1733 قانون اساسی، به منظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به ماموران یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تاسیس شد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین میکند . هر شعبه از دیوان از یک رییس یا عضو علی البدل و هر شعبه تجدید نظر از یک رییس و دو مستشار تشکیل میشود

محل استقرار دیوان عدالت اداری در تهران است، اما به تازگی شعبه هایی از آن در برخی مراکز استانها نیز ایجاد شده است

5- دادگاه های ویژه روحانیت

دادگاه ویژه روحانیت یکی دیگر از مراجع اختصاصی دادگستری است. طبق اصول 5 و 577 قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار این دادگاه را مصلحت بداند به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضاییه است.

فصل ششم

اصول حقوقی حاکم بر استفاده از اینترنت

طی چند سال اخیر کاربرد « اینترنت » و افزایش روزافزون شمار کارآفرینان و کاربران آن به یکی از بحث برانگیزترین موضوعات فرهنگی تبدیل شده است. آسیب شناسی جرم زدایی و آثار حقوقی مرتبط با این پدیده جدید ارتباطی، چالشهای جدیدی نیز فراروی مدیران جامعه تصمیم سازان و حقوقدانان قرار داده است

چگونگی برخورد قانونی با جرایم ناشی از فعالیتهای غیرقانونی سایتهای اینترنتی، هکرها و قفل شکن های شبکه نیز از جمله چالشهایی است که به یکی از دغدغه های افکار عمومی مبدل شده است .

در بیشتر کشورهای پیشرفته که استفاده از اینترنت عمومیت یافته قوانین مدون مبارزه با جرایم اینترنتی وجود دارد و در بسیاری از این کشورها حتی بخشی از فعالیت پلیس در مورد اینترنت و جرایم مرتبط به آن متمرکز شده است

• با توجه به پیشرفت علم و گستردگی کاربرد اینترنت در جهان امروز در بسیاری از کشورهای جهان مقررات و شرایط ویژه ای برای حمایت از حقوق کاربران اینترنتی وضع شده است و این مقررات بیش از آنکه جنبه کنترل و نظارت توسط دولت‌ها داشته باشد به طور خاص در زمینه حمایت از کاربران اینترنت و شهروندان آن کشورها است.

به اعتقاد حقوقدانان برای اینترنت باید تعریف مشخص حقوقی و قانونی وجود داشته باشد و برای تخلفات و جرایم احتمالی و به طور کلی برای هر نوع رابطه حقوقی در این زمینه قوانین و ضوابط خاص و مشخص تهیه تدوین و تصویب شود

• بدون قانون در زمینه اینترنت نمی توان با جرایم مربوط به آن برخورد کرد . چون طبیعت مطبوعات با سایتهای اینترنتی متفاوت است

• بنابراین تسری دادن قانون مطبوعات به مسائل مربوط به اینترنت از لحاظ حقوقی جای اشکال فراوان دارد.

یکی از مشکلات کنونی برخورد با جرایم اینترنتی این است که جرایم اینترنتی مانند سایر جرایم به حضور در محل یا مکان خاصی نیاز ندارد و می تواند از هر نقطه از دنیا صورت بگیرد

. از طرفی ممکن است یک عمل مجرمانه در محیط غیرمجازی اتفاق بیفتد اما عواقب آن در

محیط مجازی قابل رؤیت باشد

. هم چنین فقدان استانداردهای جهانی از جمله مشکلات دیگر در برخورد با جرایم اینترنتی

است . بطوری که یک رفتار در یک کشور ممکن است جرم محسوب شود ولی در کشوری دیگر

این رفتار آزاد باشد و جرم تلقی نشود .

در حالی که اکثر جوامع توسعه یافته و برخی جوامع در حال توسعه برای مبارزه با مجرمان

اینترنتی اقدام به تشکیل پلیس اینترنتی کرده اند، کارشناسان اینترنت و حقوقدانان کشور از عدم

تشکیل پلیس اینترنتی در کشور انتقاد می کنند.

پلیس و جرایم اینترنتی

باگسترش کلاهبرداری اینترنتی و تغییر شیوه های سنتی سرقت نیروی انتظامی از سال 78

مطالعات و تحقیقات گسترده ای در این خصوص آغاز کرد که نتیجه این بررسی ها در سال 81

منجر به تشکیل یک واحد باعنوان اداره کل مبارزه با جرایم خاص و رایانه ای درمعاونت آگاهی

نیروی انتظامی کشور شد

در تهران بزرگ معاونت مبارزه با جرایم خاص و رایانه ای و درمراکز استانها اداره مبارزه با جرایم

خاص و رایانه ای پس از تشکیل پرونده در اداره آگاهی رسیدگی به تخلفات رایانه ای را برعهده

می گیرند.

کشف جرم رایانه ای کاری ترکیبی است که به همکاری متخصصان رایانه و کشف جرم درکنار یکدیگر نیاز دارد که نیروی انتظامی علاوه بر تعدادی متخصص رایانه و کشف جرم، که در حال فعالیت هستند__

فصل هفتم

ماهواره

هرگز گمان نمی رفت که ماهواره با بهره گرفتن از اصل گردش آزاد اخبار و اطلاعات در دنیای ارتباطات و با توسل به حقوق بنیادین بشر و حق به رسمیت شناخته شده شهروندان بتدریج بهانه تاخت وتازها و تهاجمات کنترل نشده ماهواره ها بر ارزشهای فرهنگی و اخلاقی ملل گردد . پنهان و آشکارا به دخالت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاست داخلی کشورها دست یازند و باورها و ارزشهای دینی و اخلاقی و سنت بومی و ملی ملتهای مختلف را به چالش کشانند. ماهواره یا قمر مصنوعی به دستگاه های ساخت بشر گفته می شود که در مدارهایی در فضا به گرد زمین یا سیارات دیگر می چرخند . و انواع آن عبارتند از:

ماهواره های:

1. ضد سلاح - 2 هوشناسی - 3 زمین شناسی - 4 زیستی - 5 اکتشافی - 6 ماهواره

های هدایت کننده - 7 ماهواره های مخابراتی - 8 ماهواره های ستاره شناختی

ماهواره ها و اصول حقوقی حاکم بر ماهواره ها:

حقوق بین الملل این نکته را پذیرفته بود که هر کشوری حق دارد حاکمیتش را بر فضای بالای کشورش نیز اعمال کند و هیچ کشوری نمیتواند بدون اجازه از حریم فضایی کشور دیگر بهره گیرد لیکن از سال 1986 که سال ظهور و گسترش ماهواره های مختلف است هیچ کشوری عبور ماهواره ها از فراز کشورش و فعالیت های مختلف آن را نقض حاکمیت خود تلقی نکرد تا اعتراضی بعمل آورد.

از این رو این موضوع به شکل یک قاعده حقوق بین المللی پذیرفته شد که فضای ماورای جو از تعریف حریم فضایی کشورها خارج است و فضای بالا سر یک کشور تا بی نهایت متعلق به آن کشور نیست.

یکی از اهداف و وظایف ماهواره ها پخش اخبار و برنامه های تلویزیونی برای مردم جهان می باشد براساس فعالیت ماهواره ها، مشکلات و سئوالات حقوقی نوین و چالش های بی سابقه ای بسیاری را پیرامون حدود و ثغور آزادی عمل این رسانه نقض حاکمیت دولتها، دخالت های مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی کشورها و مسائلی نظیر آنها در پی آورد و اعتراضات بسیاری از کشورهای جهان را برانگیخت.

این ضرورت همه جا احساس می شد که جامعه جهانی باید در چارچوب حق حاکمیت دولتها و با در نظر گرفتن فرهنگ های مختلف یک اجماع بین المللی را در تعیین محدوده آزادی پخش برنامه های ماهواره های پیدا کند

الف . ماهواره ها و حقوق بین الملل ماهواره ها و مواضع کشورهای مختلف:

کشورهای مختلف جهان ضمن انجام تلاشهایی از طریق سازمان ملل، در برابر تهاجم و مشکلات ناشی از برنامه های ماهواره‌های مواضع و تدابیر گوناگونی اتخاذ کرده اند که برخی از آنها شامل:

1. طرفداران آزادی مطلق ماهواره ها

گروهی از کشورهای توسعه یافته نظیر ایالات متحده امریکا با رد نظر کشورهای که معتقدند برای ارسال برنامه های ماهواره‌های کشور ارسال کننده و تهیه کنندگان برنامه ها باید از کشور یا کشورهای دریافت کننده اجازه بگیرند، اظهار میدارند که کسب اجازه قبلی با اصل آزادی گردش اطلاعات براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و... مغایرت دارد

در برابر این گروه از کشورها میتوان گفت آزادی گردش اطلاعات و اخبار نباید

اولا: نباید با اصول حقوق بین الملل مغایر باشد

ثانیا: نباید با اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی سایرکشورها در تعارض باشد.

ثالثا: احترام حقوق با حیثیت دیگران

2. کشورهای طرفدارگزینش برنامه های ماهواره ای

بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند و برخی از کشورهای دیگر بدون آن که آشکارا به مخالفت با آزادی ماهواره ها بپردازند و با شعار دادن موجب موضعگیری سایرین شوند، بسیار زیرکانه و آرام، روشهایی را برگزیده اند که قانون ماهواره در ایران.....

اولاً: متهم به ضدیت با آزادی گردش اطلاعات و ایجاد ممنوعیت در استفاده از ماهواره نشوند

ثانیاً: به طور موثر، مردم، فرهنگ ملی و قومی، زبان و ادبیات بومی کشور خود را از تهاجم تغییر دهنده برنامه های ماهواره ای دور نگهدارند.

این کشورها پیش از آن که پیشرفتهای فنی امکان دریافت مستقیم برنامه های ماهواره ها را توسط گیرندگان خصوصی فراهم سازد با استفاده از روش کابلی نخست تمامی برنامه ها را توسط یک مرکز و ایستگاه زمینی دریافت میکردند، سپس از میان صدها کانال ماهواره های دریافتی برنامه هایی را که با زبان فرهنگ و مقتضیات قومی و ملی آنها سازگار بودر گزینش نموده با کابل به تلویزیون های خانگی آن هم با دریافت وجه میفرستادند.

کسانی که با تقاضا و پرداخت مبلغی ماهیانه بابت کابل مایل به استفاده از شبکه های ماهواره ای باشند، میتوانند این برنامه ها را دریافت کنند. به هر حال ، هم بدون شعار دادن و غوغا ، هرچه را لازم میدانند برای عموم می فرستد هم بابت آن ماهیانه درامدی کسب میکند و هم هیچ کس به سانسور کردن و مخالفت با حقوق بشر متهمشان نمی سازد

. مردم نیز بنا به دلایلی بسیار راضی هستند زیرا:

اولا دستگاه های گیرنده خصوصی هم گران است و هم جا دادن و تنظیم و استفاده از آن مستلزم هزینه و صرف وقت است و نیاز به محل و فضای مناسب دارد، کمتر کسی تمایلی به آنها نشان میدهد و ثانیاً هرگاه مردم منطقه ای یا تکلم کنندگان به زبانی ابراز علاقه کنند و تقاضا نمایند که شبکه مورد نیازشان را به شبکه های دیگر بیفزایند، در صورت داشتن برخی شرایط از جمله حد نصابی که برای تعداد متقاضیان تعیین شده است، خواسته آنان اجابت میگردد.

3. کشورهای طرفدار ممنوعیت مطلق برنامه های ماهواره ای گروهی از کشورها برای مقابله با هجوم ماهواره ها معتقدند که باید استفاده مردم را از برنامه های ماهواره ای

به هر شیوه و روش ممکن منع کرد

.برخی از این کشورها نظیر امارت سابق افغانستان، بی آنکه نامی از ماهواره ببرد، استفاده از دستگاه تلویزیون را به کلی ممنوع اعلام نمود و برخی دیگر با تصویب قوانین داخلی استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره را ممنوع کردند مانند کشور ایران.

ابعاد منفی ماهواره در حوزه حاکمیت ملی:

ماهواره نخستین رسانهای بود که مقاومت جدی دولت ها، حکومتها و اندیشمندان کشورهای دنیا را برانگیخت .

جالب اینکه نخستین نگرانیها از سوی کشورهای جهان سوم و بعضی از کشورهای اروپایی که فرهنگ و اقتصاد ملی خود را در معرض آسیب می دیدند، ابراز شد.

فرانسه و اسپانیا دو کشوری بودند که تقویت و گسترش ماهواره های فرا ملی را که بیشتر آمریکایی هستند، مقدمه زوال زبان و فرهنگ فرانسوی و اسپانیایی ارزیابی کردند.

کشورهای در حال توسعه نیز که خود را هدف تهاجم ماهواره احساس کرده اند آن را ویرانگر ارزیابی می کنند: تهدید قدرت باور سازی و تبلیغ سیاسی سرزمینی ماهواره می تواند زنده و مستقیم، تأثیر همه کوششهای باور سازی و تبلیغ یک حکومت را باطل کند.

الف. زیان به منافع (سیاسی، فرهنگی، تجاری و)...

تحمیل ضرر و زیان به منافع سیاسی کشورهای گیرنده برنامه های ماهواره ای که به طور عمده از طریق تبلیغات مستقیم یا غیر مستقیم صورت می گیرد. برخی معیارهای کلی راجع به تبلیغات مضر و غیرقانونی را بدون توجه به کشور خاصی ارائه می توان این گونه ارائه کرده:

1* . ماهواره ها با توجه به تازگی، تنوع و تعدد برنامه ها و اخباری که رد و بدل می سازند، به نوعی رسانه های ملی جوامع ضعیف را دچار مشکل ساخته به راحتی می توانند:

• استقلال و اعتبار رسانه های ملی را نزد شهروندان مخدوش سازند و به

این ترتیب

• با عبور از موانع طراحی شده از سوی دولتهای ملی نسبت به تغییر

ذهنیت شهروندان به طرق گوناگون (از طریق افشای اسناد و یا جعل آنها)

نسبت به دولت ملی اقدام می کنند.

• جریان هدایت افکار عمومی را به دست گیرند. حالا می تواند هرکاری

انجام دهد

• تغییر توقعات شهروندی مطالباتی را در شهروندان به وجود می آورند که اجابت آن از طرف

دولت های ملی ممکن نیست

• تغییر هنجارهای عمومی

• ارزش-های فکری و اخلاقی در خطر نابودی قرار گرفته و قربانی شده و در

خطر نابودی قرار می گیرد.

• دامن زدن به بی هویتی مردم در جوامع می باشند

• ماهواره ها با دسترسی دقیق به اطلاعات و آشکار سازی آنها دولتهای

ضعیف را در برنامه ریزی دچار مشکل می سازند.

• پشتیبانی تبلیغاتی و روانی از گروه های مخالف تروریستها، تشویق آنان

به ادامه فعالیت های ضد بشریر پنهان کردن ابعاد جنایتهای آنان و بدتر

از همه توجیه آنر نمونه های دیگری از کارکرد ماهواره ها بر ضد امنیت و صلح

جهانی است.

• با تبلیغ کالاهای خارجی، گرایش به استفاده از این کالاها و در پایان

ورشکستگی اقتصاد و تولید داخلی را موجب شد.

2* . پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات، برنامه ها و تبلیغاتی که به منافع سیاسی و ملی

کشوری زیان می رساند.

3* . پخش و انتشار آن دسته از اطلاعاتر برنامه ها و تبلیغاتی که بنیانهای زندگی اجتماعی

کشوری را تخریب و زیر و رو می کند.

4* پخش و انتشار آن دسته از اطلاعاتر برنامه ها و تبلیغاتی که برای زندگی خصوصی افراد

جامعه ای مضر است.

ب. زیان به منافع و ارزشهای فرهنگی:

یکی از مسائل مهم مطروحه در خصوص زیانهای ناشی از پخش برنامه های ماهواره ایر موضوع ورود آسیب و زیان به منافع و ارزشهای فرهنگی کشور است که امروزه از آن به تهاجم فرهنگی یاد می شود.

در این تهاجم مجموعه ارزش-های فکری و اخلاقی جامعه است که به عنوان قربانی واقعی، تحت عنوان "بین المللی شدن وسایل ارتباط جمعی" در خطر نابودی قرار می گیرد .

یکی از دلایلی که دولت ها را در خصوص تهاجم و تعدیات فرهنگی نگران کرده ارتباط ظریف و دقیق میان فرهنگ و سیاست است و همین ارتباط است که دولت ها از منافع آن استفاده می کنند، زیرا پخش این برنامه ها برای مقاصد فرهنگی، راه میانبری برای رسیدن به اهداف تبلیغات سیاسی است.

حتی اگر بخواهیم ابعاد منفی را نادیده بگیریم و جنبه های مثبت موضوع مورد بحث را که ممکن است مفید و سازنده هم باشند در نظر آوریم، باز هم این واقعیت وجود دارد، که کشورهای دریافت کننده امواج، هیچ گونه نقش و دخالتی در انتخاب برنامه نخواهد داشت و این امر بر خلاف اصل حاکمیت دولتها در عرصه حقوق بین الملل است.

1. ماهواره ها با عبور از موانع طراحی شده از سوی دولت‌های ملی نسبت به تغییر ذهنیت

شهروندان به طرق گوناگون (از طریق افشای اسناد و یا جعل آنها) نسبت به دولت ملی اقدام می کنند.

2. ماهواره ها در دو حوزه «تغییر هنجارهای عمومی» و «تغییر توقعات شهروندی» به شدت تاثیرگذار بوده و به این ترتیب میتوانند با محصولات فرهنگی که ارائه می دهند، نسبت به تضعیف ضریب ایدئولوژیک جامعه عمل کنند.

3. پخش و انتشار آن دسته از اطلاعات برنامه ها و تبلیغاتی که به هنجارها و تمامیت فرهنگی جامعه ای آسیب می رساند.

ج. لطمه به منافع اقتصادی و تجاری:

در زمینه اقتصادی و تجارت نیز میتوان با تبلیغ کالاهای خارجی، گرایش به استفاده از این کالاهو در پایان ورشکستگی اقتصاد و تولید داخلی را موجب شد. مثال اشتغال زنان استقلال . یکی از مواردی که دولتها بر پخش برنامه های ماهواره ای دیگر دولتها در کشورشان محدودیت خاصی را وضع یا به طور کلی از پخش این گونه برنامه ها جلوگیری می کنند، پخش برنامه ها و آگهی های تبلیغاتی خارجی است؛ به این دلیل که تبلیغات کالاهای خارجی به بازار فروش و تولید کالاهای داخلی صدمه و آسیب می رساند.

حساسیتهای برداشتهای مناطق مختلف و کشورهای جهان نسبت به این امر از منطقه ای به منطقه ای دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

حاکمیت دولت ها و پخش:

علی رغم آزادی پخش و شناسایی آن به عنوان اصل حقوق بین الملل عرفی دولتهای گیرنده می توانند اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند اگرچه محدودیتهای چندی نیز برای اعمال آن در نظر گرفته شده است. اما علیرغم وجود است نائات چند نسبت به اصل آزادی پخش هیچ گاه مقرراتی راجع به اخذ رضایت یا موافقت دول گیرنده تنظیم نشده است.

اختلاف نظر عمیق دولت ها در مورد اصل پخش مستقیم برنامه های ماهوارهای باعث شد که مجمع عمومی در تصویب قطعنامه 37 / 92 با عنوان " اصول کلی حاکم بر استفاده دولت ها از ماهواره های پخش مستقیم تلویزیونی " به ناچار و برای اولین بار از شیوه تثبیت شده خود در تصویب تصمیمات (یعنی کنسانسوس 25) عدول کند و این قطعنامه را به رأی بگذارد این قطعنامه روشن ساخت یکی از تحولات اخیر در زمینه شیوه های تصمیم گیری در سازمان های بین المللی نه اتفاق آراء و نه اکثریت آراء، بلکه کنسانسوس است

. امروزه پذیرفته شده است که همکاری های بین المللی نباید از طریق خارج کردن اقلیت ها از رأی گیری، بلکه از طریق حصول به توافقی که اکثریت دولت ها مایل به پشتیبانی از اصل رضایت قبلی (حتی تحت لوای مشاوره و توافق) در مورد ماهواره های پخش مستقیم هستند.

نظریه آزادی اطلاعات

طبق نظریه آزادی اطلاعات هر شخص حق دارد تا به کلیه اطلاعات دست یافته یا اطلاعاتی را برای دیگران ارسال کند .

ابتدا این اصل در اعلامیه حقوق بشر 1948 ماده 19 و بعد در ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ...درج شد

لیکن مقررات مربوط به آزادی گردش اطلاعات مطلق نیست (بند 2 ماده) 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند 3 ماده) 19 میثاق حقوق مدنی و سیاسی (بند 2 ماده) 10 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معاهده فضای فراجو و...برای گردش آزاد اطلاعات حدودی را تعیین کرده اند که

1- احترام به حقوق و حیثیت دیگران

2- حفظ تمامیت ارضی (اقوام مختلف را تحریک)...

3- منافع ملی امنیت داخلی نظم عمومی

4- حفظ سلامت و اخلاق عمومی از جمله آنها هستند.

احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ تمامیت ارضی، منافع ملی، امنیت داخلی،

نظم عمومی و حفظ سلامت و اخلاق عمومی از جمله آنها هستند.

همچنین در 1972 یونسکو اعلامیه‌های غیر الزامی راجع به اصول راهنما در استفاده از پخش ماهواره ای برای جریان آزاد اطلاعات تصویب کرد

.ولی کشورهایی مانند امریکا و انگلیس بدلیل آنکه ماده 2 این اعلامیه بر احترام به حاکمیت دول تأکید می‌کرد با آن مخالفت کرده و به آن رأی منفی دادند.

همچنین ماده 3 این اعلامیه هر گونه استفاده از ماهواره را نیازمند همکاری بین المللی می‌دانست. علاوه بر این ماده 7 این اعلامیه احترام به فرهنگ و ارزشهای دیگر ملل را به عنوان میراث مشترک واجب شمرد و بالأخره ماده 9 این اعلامیه بکارگیری ماهواره را برای ارسال برنامه‌ها مستلزم توافق قبلی دولتهای دریافت کننده می‌دانست.

همه شرکت کنندگان نسبت به آن نظر دارندر صورت گیرد. کنسانسوس مفهومی سیاسی است، نه حقوقی و با مفهوم حقوقی اتفاق آراء متفاوت است .

کنسانسوس به میزان زیادی تحت تأثیر قواعد حقوقی رأی گیری قرار گرفته است. در کنسانسوس همه اعضا حق وتو کردن دارند و نیاز به ایجاد هیچ امتیاز انحصاری نیست.

اما در اعلامیه اسلامی 1990 حقوق بشر قاهره اصل آزادی اطلاعات آن گونه که در اسناد قبلی مطرح شده عنوان نشده است

بند الف از ماده 1 این اعلامیه 26 عقیده صحیح را تنها تضمین برای رشد این شرافت (شرافت انسانی) از راه تکامل انسان می‌داند.

اما محدودیتهای قانونی چندی بر این اصل وارد شده است. بطور کلی این محدودیتها دو دسته اند:

محدودیتهای اخلاقی و محدودیتهای قانونی. در خصوص

نوع اول: در بیان مطالب باید تمام حقایق و نه قسمتی از آن گفته شود و با هر نوع شیوع اطلاعات دروغ و کاذب برخورد شود خواه علیه دولتها باشد یا اشخاص و گروه ها.

منظور از نوع دوم:

مواردی است که مخل مبانی و منافع اساسی دولتها بوده و آنان را تحریک و ترغیب به جنگ و کینه توزی کرده یا مردم را تحریک به مقابله با دولت های خود کند.

مضاف بر اینکه اصل آزادی اطلاعات با اصل رعایت و حفظ نظم عمومی تخصیص خورده و در

صورت مغایرت با آنر اصل اول اجرا نخواهد شد؛ برای همین دولتها نه تنها به استناد اصل

حاکمیت، بلکه به جهت نظارت بر منافع عمومی و حفظ نظم و امنیت جامعه بر تشکیل و راه

اندازی این گونه تأسیسات نظارت دارند و این خدشه ای به اصل آزادی اطلاعات وارد نمی سازد.

مسئولیت دولت ها و اصل منع سوء استفاده:

اصل مسئولیت دولت ها:

از جمله مواردی که در خصوص ارسال برنامه های ماهوارهای از سوی حقوقدانان به آن استناد می شود تا بدان وسیله دول ارسال کننده این گونه برنامه ها را مسئول قلمداد کند، اصل مسئولیت دولت است.

اما تفاسیر و تعبیر متفاوتی در خصوص مسئولیت دولتها وجود دارد چنانچه دولتهای ارسال کننده به قصد تخریب و ایجاد ضرر اقدام به ارسال برنامه های ماهواره ای کنند موضوع قدری پیچیده می شود:

اولاً دولتهای ارسال کننده اظهار می دارند که هیچ گونه قصد براندازی یا تشویق به جنگ نداشته و برنامه های ارسالی آنان نیز هیچ نشانه ظاهری دالّ بر این قصد ندارد؛

ثانیاً آنها مدعی اند که این گونه برنامه ها برای کشور یا منطقه خاصی ارسال نمی شود بلکه بطور کلی آنها را در فضا رها کرده تا چنانچه کسی مایل به استفاده از آن باشد به

استناد اصل 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر برای وی دست یافتنی باشد. با این دو استدلال آنها خود را مبرا از مسئولیت می دانند.

در پاسخ می توان گفت که امروزه گذشت زمان معنی جنگ و تخاصم را تغییر داده و در پوشش تعاملات فرهنگی قصد تخریب و براندازی دیگر ملل می رود.

اصل عدم سو استفاده از حق:

علاوه بر آن محدودیت‌ها محدودیت ذاتی به نام اصل عدم سوء استفاده از حق وجود دارد که عبارت است از رعایت حقوق دیگران یا ضرر نرساندن به آنان بحث شده است.

نظریه تعادل منافع:

نظریه دیگری در این باب با عنوان نظریه وظیفه تعادل منافع» مطرح شده است که بر اساس آن باید بین آزادی عمل یک دولت در محدوده قلمرو خود و حقوق و منافع دیگر دولت‌ها، نوعی تعادل ایجاد شود.

صرف نظر از اصل حاکمیت، معمولاً دولت‌ها دارای حقی به عنوان «حق تصمیم‌گیری» هستند که اگر اعمال دیگر دولت‌ها، حتی بدون نقض اصل حاکمیت آن را محدود کرده یا موجب جلوگیری از آن شود ممنوع است

بنا بر این ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای اگر چه به موجب مقررات بین‌المللی حق اشخاص و دولت‌هاست، لیکن باید توجه داشت که این برنامه‌ها چه تأثیری روی ملل دیگر خواهد داشت و آنها حق دارند که نسبت به تعیین نوع فرهنگ خود مطابق با مقررات اعلامیه حقوق بشر تصمیم‌گیری کنند.

یونسکو:

همچنین ماده آخر قطعنامه مصوب یونسکو، سال 1966، مقرر می دارد که دولتها باید از مداخله در امور فرهنگی یکدیگر خودداری کنند.

با توجه به موارد فوق الذکر می توان چنین تصمیم گیری کرد که هرگونه ارسال امواج، علی رغم صحت آن بر اساس اصل آزادی نمی تواند بدون محدودیت باشد و چنان ه این برنامه ها به نحوی از انحاء روی مردم کشور دریافت کننده تأثیر بگذاردر این امر مشمول اصل سوء استفاده از حق بوده با استناد به اصول ذکر شده (اصول حاکمیت، آزادی اطلاعات، مسئولیت دولتها و منع سوء استفاده از حق) و ضمن تأکید بر استقلال دولتها می توان از کشورهای ارسال کننده درخواست کرد تا قبل از ارسال این گونه برنامه ها با دیگران مشورت کرده و به توافق برسند. در این صورت از یک طرف اصل حاکمیت دولتها محترم شمرده شده و از طرف دیگر نسبت به اصل آزادی اطلاعات اقدام شده است.

اما سرعت پیشرفت علوم و فناوری فضایی از سال 1957 به بعد آن چنان شگفت انگیز بود که حقوق بین الملل عرفی کلاسیک توان همراهی با آن را نداشت .

رویه بین المللی هم در عرض این دو دهه نسبت به آزادی نفس پخش مستقیم برنامه های ماهوارهای نسبتاً همسان و متحدالشکل بوده است

دولتهای دخیل در پخش و دریافت برنامه های ماهوارهای اعتقاد خود را به لزوم تمکین از اصل آزادی پخش نمایان ساخته اند. هیچ دولتی برای پخش مستقیم برنامه های ماهوارهای خود را مکلف به کسب رضایت قبلی یا بعدی دولتهای محل دریافت برنامه ها تلقی نکرده است. رویه بین المللی گویای این حقیقت است که در مورد پخش مستقیم برنامه های ماهوارهای هیچ اعتراض صریح و مؤثری در اسناد و مکاتبات دیپلماتیک دو جانبه و چند جانبه به ثبت نرسیده و جامعه بین المللی در مقابل این واقعیت تمکین کرده است. تناسب اقدامات متقابل با عمل ارسال مستقیم برنامه های ماهواره ای در نظام بین الملل برای اقدامات متقابل مشروع نیز نوعی محدودیت وضع شده است تا مبادا به لحاظ نابرابری دولتها از حیث توان اقتصادی، نظامی، سیاسی و ... اقدام متقابل به حربهای مناسب برای سوء استفاده دولتهای قدرتمند و پایمال کردن حقوق دولت-های ضعیف تر مبدل شود.

در این نقطه است که اصل تناسب با اقدامات متقابل پیوند میخورد.

حق دفاع مشروع در حقوق بین الملل عرفی مبتنی بر این پیش فرض است که زور بکار رفته در مقام دفاع باید متناسب با حمله ای باشد که منجر به استفاده از آن شده است.

اقدامات متقابل می تواند تا جایی شدت یابد که دولت خاطی را ناچار سازد تا به رفتار متخلفانه خود پایان دهد. بنابراین دولت متضرر از برنامه های ماهواره ای می تواند علاوه بر پخش پرازیت، انسداد اموال دولت خاطی و تعلیق برخی از تعهدات خود را در قبال وی مورد توجه قرار دهد. عکس العمل دولتهای آسیایی که در مقابل پخش مستقیم ماهواره های برنامه های تلویزیونی با ورود شبکه استار STAR شروع شد، به شش دسته تقسیم می شوند:

1. گروه اول: کشورهایی که نه تنها آنتن ها را مجاز دانسته اند بلکه تسهیلاتی نیز برای دریافت برنامه ها توسط مردم فراهم آوردند؛ مثل کشورهای ، کویت و هنگ کنگ.

مجاز + حمایت

- 2 گروه دوم: کشورهایی که مانعی ایجاد نکردند، اما برای نصب آنتن، مالیات و عوارض در نظر گرفتند و در ضمن به اقدامات رقابتی نیز دست زدند؛ مثل پاکستان.

مانعی اجاد نکرده = عوارضی در نظر گرفته + برنامه رقابتی

- 3 گروه سوم: کشورهایی که برنامه های ماهواره ای را مجاز دانستند اما به جستجو و اجرای طرحهای رقابتی نیز دست زدند؛ مثل هند، اندونزی و کره جنوبی.

مجاز + رقابتی

- 4 گروه چهارم: کشورهایی که ضمن ایجاد ممنوعیتهای قانونی به راه حلهای رقابتی نیز دست زدند؛ مثل عربستان سعودی، بحرین، قطر، شارجه، دوبی و مالزی.

ممنوعیت + رقابتی

- 5 گروه پنجم: کشورهایی که به پشتوانه امکانات فنی نرم افزاری و سخت افزاری خود، ممنوعیت های قانونی ایجاد کردند؛ مثل کشور ژاپن.

پشتوانه فنی + ممنوعیت

گروه ششم:

ایران . مجاز ندانسته برای ان محدودیت بوجود آورده و تازگی شروع به تهیه برنامه های رقابتی زده است

قانون و آییننامه اجرایی قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

ماده - 1 به موجب این قانون ورودر توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده است ممنوع میباشد.

ماده - 2 وزارت کشور موظف است با استفاده از نیروهای انتظامی و یا نیروی مقاومت بسیج در اسرع وقت نسبت به جمع آوری تجهیزات دریافتاز ماهواره اقدام نماید.

تبصره - مهلت جمعآوری تجهیزات موجود دریافت از ماهواره از تاریخ تصویب این قانون یک ماه میباشد. بعد از انقضای مهلت مذکور استفاده کنندگان به مجازاتهای تصریح شده در این قانون محکوم خواهند شد.

ماده - 3 وزارت کشور موظف است با هماهنگی وزارت اطلاعات با وسایل ممکن نسبت به جلوگیری از ورود و توزیع تجهیزاتی که صرفاً برای دریافت از ماهواره مورد استفاده قرار میگیرد اقدام نماید و ضمن توقیف وسایل فوق عاملین آن را با وسائل توقیفی به مراجع صالحه قضائی معرفی نماید. نحوه هماهنگی در آییننامه اجرایی مشخص خواهد شد.

تبصره - کلیه کالاهای ضبط و مصادره شده موضوع این قانون جهت توسعه پوشش رادیو و تلویزیونی کشور در اختیار سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار میگیرد.

ماده - 4 کلیه دستگاههای فرهنگی کشور موظفند اثرات مخرب استفاده از برنامه های منحرف کننده را در جامعه تبیین کند.

ماده - 5 سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مؤسسه رسانه های تصویری) میتوانند نسبت به ضبط و پخش آن دسته از برنامه های ماهواره که مغایر با ارزشهای و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی نباشد اقدام نمایند.

ماده - 6 دستگاہهای صدا و سیما، پست و تلگراف و تلفن و سازمانهای وابسته از شمول این قانون مستثنی می باشند.

تبصره - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به منظور واردات فرستنده ها، تجهیزات تولید و پخش و لوازم یدکی متعلق به آنها مواد اولیه تولیدفیلم و سریال از اخذ مجوز ورود و گواهی عدم ساخت وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی نظیر وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن، صنایع و بازرگانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سفارش وزارت بازرگانی معاف میباشد.

ماده - 7 دستگاہها و سازمانهایی که برای انجام وظایف قانونی خویش لازم است از تجهیزات دریافت از ماهواره استفاده نمایند باید مجوز لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی وزارتخانه های اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن کسب نمایند.

ماده - 8 واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاہها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم میگرددند.

ماده - 9 استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم میگرددند.

الف - حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم میگرددند.

ب - وجوه دریافتی بابت مجازات مواد 8 و 9 این قانون به خزانه واریز و صد درصد (100%) آن جهت تأمین هزینه های اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار داده میشود تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه کل کشور به مصرف برسد.

ماده - 10 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمانهای ذیربط موظفند با استفاده از اهرمهای حقوقی و بین المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام لازم را انجام دهند.

تبصره - نشر آگهی های تبلیغاتی از طرق مختلف توسط مطبوعات، صدا و سیما یا تبلیغات شهری که متضمن جواز استفاده از برنامه های ماهواره میباشد ممنوع است.

ماده - 11 دولت موظف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون آییننامه اجرایی آن را تهیه و تصویب نماید.

قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و چهار تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و سوم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ 1373,11,26 به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

آیین نامه اجرایی قانون

ماده - 1 مجوز استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با نظرخواهی از وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن (برای صلاحیت های فنی) و اطلاعات موظفند حداکثر ظرف پانزده روز از زمان تقاضا، نسبت به درخواستهای واصل شده اعلام نظر نمایند پس از پایان مهلت تعیین شده در صورت عدم اعلام نظر دستگاههای فوق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز به ارائه مجوز خواهد بود.

ماده - 2 وزارت امور خارجه مشخصات و اسامی نمایندگیهای سیاسی و کنسولی کشورهای خارجی و سازمانهای بین المللی را که بر اساس حقوق بین الملل از شمول مفاد این قانون مستثنی هستند به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام میکند.

ماده - 3 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مستمر اسامی و مشخصات استفاده کنندگان مجاز تجهیزات دریافت از ماهواره و تغییرات آنها را به وزارت کشور اعلام مینماید تا وزارت کشور نسبت به جمع آوری تجهیزات استفاده کنندگان غیر مجاز و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام کند.

ماده - 4 شرکتهای تولیدکننده و سازنده داخلی چنانچه حسب نیازهای و سفارش سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن بر اساس قراردادهای منعقد شده مبادرت به تولید و ساخت تجهیزات موضوع قانون در مدت قرارداد نمایند از شمول ممنوعیتهای مندرج در مواد (8 و) 9 (قانون خارج بوده و وزارت کشور متعرض آنها نخواهد شد.

وزارت کشور مکلف است ضمن تدوین دستورالعمل لازم، ترتیبی اتخاذ کند تا مأمورین انتظامی در مقام اجرای مواد (8 و) 9 (قانون متعرض مأمورین و متصدیان حمل و نقل، انبارها و مراکز نصب و تعمیر و نگهداری سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن نگردند و همکاریها و هماهنگیهای لازم را معمول کنند.

ماده - 5 دستگاههای فرهنگی کشور برای تحقق مفاد ماده (4) قانون و به منظور تبیین اثرات مخرب استفاده از برنامه های ماهوارهای و نیز سایر دستگاههای اجرایی برای تحقق ماده (10) قانون موظفند با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران حسب مورد همکاری نمایند.

کلیه دستگاههای فرهنگی کشور مکلفند قبل از تصویب بودجه سالانه کل کشور، طرحهای لازم پیشنهاد خود را جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و تبیین اثرات مخرب برنامه های منحرف کننده ماهواره به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند تا در بودجه سالانه آنان منظور گردد.

ماده - 6 وزارت کشور جهت جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره با توجه به وظایف نیروی انتظامی اقدام خواهد نمود و حسب مورد میتواند از نیروی مقاومت بسیج استفاده نماید.

ماده - 7 کسانی که پس از انقضای مهلت مقرر در قانون به صورت داوطلبان هر تجهیزات خود را تحویل دهند، مشمول مقررات مربوط به کیفیات مخففه در مجازاتها خواهند بود.

ماده - 8 (در اجرای ماده 3) قانون وزارت اطلاعات از طریق تعیین رابط اخبار لازم را در اختیار وزارت کشور قرار خواهد داد. وزارت کشور با همکاریوزارتخانههای اطلاعات فرهنگ و ارشاد اسلامی و پست و تلگراف و تلفن و گمرک ایران با توجه به اخبار و اطلاعات واصل شده و راهکارهای ارائه شده توسط دستگاه های مزبور اقدامات

اجرایی لازم را معمول خواهد داشت. بدین منظور ستادی متشکل از نمایندگان دستگاههای مزبور در وزارت کشور مستقر خواهد گردید.

ماده - 9 وزارت کشور مکلف است در قبال توقیف تجهیزات موضوع قانون صورتجلسهای تنظیم و نسخهای از آن را جهت اجرای تبصره ماده 3 (قانون به سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ارسال نماید.

ماده - 10 تجهیزات موضوع قانون که به طور داوطلبانه به وزارت کشور تحویل داده میشود یا حسب مورد توسط وزارت کشور و مرجع صلاحیت دار قضایی ضبط و مصادره میشود ماهانه طی صورت جلسه ای با امضای نمایندگان وزارت کشور مرجع ذیربط قضایی و سازمان صدا و سیما به مراکز استانی سازمان صدا و سیما تحویل داده خواهد شد.

ماده - 11 تعریف تجهیزات مشمول قانون بر عهده وزارت پست و تلگراف و تلفن است. وزارت پست و تلگراف و تلفن موظف است ظرف یک ماه نسبت به ارائه تعاریف مربوط اقدام نماید.

تبصره - تشخیص تجهیزات فنی مشمول قانون در مبادی ورودی و سایر نقاط کشور بر اساس قوانین و مقررات جاری کشور، بر عهده دستگاههای ذیربط خواهد بود.

ماده - 12 در اجرای تبصره ماده (6) قانون سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به منظور واردات فرستنده ها، تجهیزات تولید و پخش و لوازم یدکی متعلق به آنها مواد اولیه تولید فیلم و سریال از اخذ مجوز ورود و گواهی عدم ساخت وزارتخانهها و سازمانهای دولتی نظیر وزارتخانههای پست و تلگراف و تلفن، صنایع و بازرگانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سفارش وزارت بازرگانی معاف است.

ماده - 13 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در اجرای تبصره ماده 10 قانون مجازند به تناسب مسئولیتهای خود دستورالعملهای لازم را برای تعیین آگهی های تبلیغاتی غیر مجاز تدوین و بنا به حوزه صلاحیت خود رسماً و به طور جداگانه به ناشرین و مطبوعات و بنگاههای تبلیغاتی همچنین واحدهای داخلی و تابع خود ابلاغ نمایند.

ماده - 14 دستگاهها و سازمانها میتوانند با ذکر دلایل توجیهی به امضای بالاترین مقام اجرایی خود برای استفاده از تجهیزات گیرنده برنامه های تلویزیونی ماهوارهای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست مجوز کنند.

تبصره - مسئول واحد استفاده کننده از تجهیزات در برابر هر گونه استفاده غیر قانونی از آن پاسخگو خواهد بود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره های توجیهی مناسب را برای آموزش و آمادگی این مسئولان برگزار میکند.

تأیید صلاحیت مسئولان منوط به موفقیت در این دوره ها است.

قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره در 23 بهمن 73 در مجلس تصویب و در 26 اسفند به تأیید شورای نگهبان رسید و آیین نامه اجرایی این قانون نیز در جلسه جلسه 9 فروردین 74 هیات وزیران تصویب شده است.